

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ عاشورایی

(۱۱)

آخرین نماز سالار شهیدان

نام کتاب: فرهنگ عاشورایی - جلد ۱۱
«آخرین نماز سالار شهیدان»
مؤلف: جمعی از نویسندگان
ناشر: مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)
نوبت چاپ: دوم
چاپخانه: مجاب
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
تاریخ نشر: ۱۳۸۸ هـ. ش
شابك: ۹۶۴-۷۷۵۶-۷۰-۴

تمامی حق ترجمه و نشر برای مجمع محفوظ است.

تهران. ص.پ: ۱۴۱۵۵/۷۳۶۸ ; قم. ص.پ: ۳۷۱۸۵/۸۳۷

www.ahl-ul-bayt.org

هو الشهيد

مقدمه:

«نَظَرَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عليهما السلام) وَهُوَ مُقْبِلٌ، فَأَجْلَسَهُ فِي حَجْرِهِ وَقَالَ: إِنَّ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا.»^(۱)

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) به حسین بن علی نگاه می کرد در حالی که به طرفش می آمد، او را گرفت و بر روی پای خود نشانید و فرمود: همانا در دل های مؤمنین حرارتی نسبت به شهادت امام حسین (علیه السلام) است که هیچگاه سرد نمی گردد.»

مسلمانان همواره علاقه فراوان و عشق وافری نسبت به حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) سبط اکبر رسول خدا (صلى الله عليه وآله) داشته اند. این عشق و علاقه در زمان حیات آن حضرت، در دوران قیام ایشان و خصوصاً پس از شهادتش وجود داشته و هیچگاه از بین نرفته است.

این مهم سرّ مگویی ندارد! بلکه آشکارا علت آن معامله با خداوند است. امام حسین (علیه السلام) به خاطر حفظ و احیای دین خداوند از مال، جان، خانواده و همه هستی خود گذشت و در این مسیر دعوت خدای متعال را اجابت کرد و در نتیجه نام، یاد و محبت او حیات جاودانه پیدا کرد و مصداق کریمه شریفه شد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال ۲۴).

در واقع آنچه حضرت سید الشهداء (علیه السلام) در احیای دین خداوند انجام داد، الگویی پایدار برای همه مسلمانان تا قیام قیامت است. قیام برای اقامه حق و زدودن باطل و جلوگیری از کژیها و بدعت ها در دین خداوند! و در این مسیر از شهادت استقبال کردن و هیچ ارزشی را از احیای کلمه الله بالاتر ندانستن و از انحراف در امت پیامبر جلوگیری کردن!

همانگونه که آن حضرت خود فرمود: «إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا لِبَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي (صلى الله عليه وآله) أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرُ بِسِرَّةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ (علیه السلام).»

و همانگونه که همه پیامبران الهی با توکل بر خدای متعال در صدد انجامش بوده اند؛ اصلاح جوامع بشری از طریق دشمنی با ظالمان و دستگیری از مظلومان و نیز جلوگیری از فساد، تباهی و فحشاء، و تبلیغ حقیقت، عدالت، کرامت و فضیلت در بین تمامی انسانها!

و همانگونه که حضرت شعیب پیامبر (علیه السلام) در تبیین رسالت و مأموریت خود گفت: «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ.» (هود ۸۸)

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) افتخار دارد در راستای احیاء و گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و نیز حراست از حریم قرآن مجید و سنت پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله) و همچنین بزرگداشت نام، یاد و زندگانی اهل بیت (علیهم السلام) اقدام به برگزاری همایش های فرهنگی و علمی نماید.

از جمله این همایش ها، همایش امام حسین(علیه السلام) بود که در سال ۱۳۸۱ هـ.ش (۲۰۰۳ م) در تهران و در سال ۱۳۸۲ هـ.ش (۲۰۰۴ م) در دمشق برگزار گردید.

اندیشمندان و صاحبان علم و قلم مقالات فراوانی را برای غنای هرچه بیشتر این همایش به دبیرخانه آن ارسال کردند و نتیجه تلاش های علمی آن عزیزان انتشار پانزده جلد کتاب گردیده است که اکنون در دسترس علاقه مندان قرار گرفته است.

بی شك بررسی و شناخت ابعاد گسترده قیام امام حسین(علیه السلام) با يك همایش و چند مقاله امکان پذیر نمی باشد. چه آنکه این فقط يك قیام نبود بلکه توانست يك فرهنگ ایجاد نماید، فرهنگ عمیقی که در زندگانی مسلمانان تأثیرگذار بوده و هست. فرهنگی که تا کنون نه تنها قدیمی و فرسوده نشده بلکه در طول تاریخ پس از عاشورا، همواره يك امید بوده، يك الگو، يك ارزش و يك فرهنگ، فرهنگ عاشورایی!

فرهنگ عاشورایی امام حسین(علیه السلام) بخوبی توانست فرهنگ آموزشی فهیم و با انگیزه تربیت نماید. عاشقانی که عمق قیام حضرتش را درك کردند و حاضر شدند عزیزترین سرمایه زندگانی خود را در این مسیر در طبق اخلاص گذارده و تقدیم نمایند و با آغوش باز به استقبال شهادت روند. الگوپذیری از فرهنگ عاشورایی حضرت سیدالشهدا(علیه السلام) به اصحاب آن امام همام خلاصه نگردید، بلکه در سالها و قرنهای بعد قیام ها و خروشهایی علیه حکام ظلم و جور را پدید آورد و منشأ بوجود آمدن صحنه هایی از آرمان خواهی، عشق و ایثار و شهادت طلبی در طول تاریخ شد.

فرهنگ عاشورایی، عاشوراها آفرید و کربلاها بوجود آورد و همواره پیروان اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) با عشق و علاقه و با ایمان راسخ، و با برپایی مجالس عزاداری، شعر و نوحه سرایی در زنده نگاه داشتن آن سخت کوشیدند و حتی در مسیر احیای نام و یاد و قیام عاشورایی امام حسین(علیه السلام) از هیچ تلاشی فروگذار نکردند.

آنچه در پیش روی دارید مجموعه مقالاتی در خصوص بررسی و تبیین گوشه ای از فرهنگ عاشورایی حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) می باشد که در چند مجلد تدوین شده است. از آنجا که مجمع جهانی اهل بیت(علیهم السلام) نسبت به تهیه و انتشار کتابهای دینی و مورد نیاز پیروان اهل بیت(علیهم السلام) در اقصی نقاط عالم همت می گمارد لذا در هریک از مجموعه منشورات «فرهنگ عاشورایی» به طرح نقطه نظرات صاحب نظران در این خصوص می پردازد.

با تشکر از مؤلفین محترم، توفیق تمامی اهل فکر، قلم و مطالعه را در شناساندن و شناخت هرچه بیشتر فرهنگ عاشورایی از خداوند متعال خواستارم و برای همه پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در هر سرزمین که هستند آرزوی سلامت، موفقیت و رستگاری دارم.

محمد حسن تشیع

معاون فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

آخرين نماز سالار شهيدان

دکتر سيد رضا موسوی

(وَ أَنَا أَخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى، أَنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي).^(۲) ای موسی من ترا برگزیدم پس به آنچه وحی می شود گوش فرا ده. همانا منم الله، خدای که معبودی شایسته پرستش جز من نیست پس مرا بپرست و نماز را برای یاد من به پا دار.

برترین عبادت انسان

به اعتراف روان شناسان و جامعه شناسان، عشق پرستش و میل به نیایش يك نیاز فطری و یکی از غرایز عالی انسانی است. به گواهی مورخان عبادت در همه ملل و اقوام متمدن جهان وجود داشته و هر يك به شکلی این خواسته درونی را در زندگی پیاده کرده اند. حتی گاهی سراب را آب پنداشته اند. وجود معابد گوناگون — که بهترین میراث فرهنگی هر کشور را تشکیل می دهد — شاهد گویا بر این واقعیت بوده و هست.

متأسفانه در جاهلیت قرن بیستم ما هنوز با بُت پرستی ستاره، گاو و حتی شیطان و یزید پرستان ناآگاه در شرق و غرب عالم روبه رو هستیم. ولی قرآن کریم سر لوحه برنامه همه پیامبران را دعوت به پرستش معبود حقیقی یعنی آفریدگار هستی، و کنار زدن معبودهای ساختگی و بر حذر داشتن از کُرُنش در برابر بُت های بی جان و جاندار و مبارزه با اربابان زر و تزویر می داند. آن جا که خداوند می فرماید:

(وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا لِلَّهِ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ، فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ)^(۳) و هر آینه در هر اُمّتی پیامبری را برانگیختیم که می گفت: خدا را پرستید و از طاغوت دوری کنید، پس برخی از مردم از هدایت الهی بهره مند شدند و گروهی بر گمراهی استوار ماندند. پس زمین را ببمایید و بنگرید که سرانجام تکذیب کنندگان چگونه بود!

نخستین پیام آخرین پیامبر الهی، حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) نیز این بود: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا» بگویند معبودی شایسته پرستش غیر از الله (حقیقتی که همه کمالات بی نهایت را داراست) وجود ندارد؛ تا رستگار شوید. چنان که امام علی (علیه السلام) فرمود: «فَبَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ إِلَى عِبَادَتِهِ وَ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ إِلَى طَاعَتِهِ»^(۴) خداوند حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) را برانگیخت تا بندگانش را از پرستش بت ها، به بندگی خدا بکشاند و از فرمان برداری از شیطان، به اطاعت خدا فراخواند.

بنابراین یکی از اهداف مهم بعثت پیامبر اسلام (ص) دعوت به پرستش خالق یگانه و مُنعم حقیقی و مهربان بود. این که در اثر ناآگاهی عدّه ای پرستش الهی را با کارهای ناشایستی همراه کرده اند و در اجرای مراسم عبادت برخی به دور خود می چرخیدند و عدّه ای خوراکی یا حیوان و انسان را می سوزاندند و حتی گاهی در جاهلیت صد نفر را با خشونت قربان بت ها می کردند.

۲. سوره طه، آیات ۱۳ و ۱۴.

۳. سوره نحل، آیه ۳۹.

۴. صبحی الصالح، نهج البلاغه امام علی (علیه السلام)، ص ۲۰۴.

به روایت امام رضا (علیه السلام) پیامبر (صلی الله علیه وآله) می فرمودند: «الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ»^(۵); نماز وسیله ای نزدیکی به خدا برای هر پرهیزگار است» ان حضرت نماز را به عنوان نُحْسْتین حکم عبادی و جامع ترین عبادت اسلامی برای انسان به جای رَقص و آدم کشی جاهلی مراسم تشریفاتی سرگرم کننده سایر مذاهب و آئین های بشری به جهان بشریت معرفی نمود و فرمود: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِ أُصْلَى»^(۶); همان گونه که من نماز می گزارم شما نماز گزارید.» و با روش سمعی و بصری این عبادت را جایگزین مراسم خُرَافی معمول در میان سایر ملّت ها ساخت.

نماز ثَماد دین و نمود دینداری

ارزش و جایگاه نماز در جهان بینی توحیدی و دین فطری اسلام، بر هیچ مسلمانی پوشیده نیست، زیرا در قرآن کریم ۱۰۵ بار از نماز یاد شده و از مهم ترین سفارشات انبیاء، بارزترین عمَل عبادی پیامبران و در روایات شیعه و سنی به عنوان یکی از ارکان بنای اسلام معرفی شد.

نماز اولین فریضه الهی است که در اسلام تشریح و تا آخرین لحظه عمر در هر شرایطی (در دریا، زمین، هوا، میدان جنگ، و حتی در حال بیماری) هر مکلف باید به هر نحو ممکن این تکلیف الهی را انجام دهد. وُجوب نماز ضروری دین و مُنکر آن مُرتَد و مُسْتَحِقَّ مَجَازات سخت خواهد بود.

در سخنان بنیان گذار اسلام، نماز به ستون دین، پرچم و آرم اسلام، سیمای مکتب، نور و معراج مؤمن، وسیله سنجش اعمال و کلید بهشت، تشبیه گردیده است. در بیان امام صادق (علیه السلام) نماز برترین چیزها شناخته شده است. چنانکه فرمود: «مَا أَعْلَمُ شَيْئًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ؛ بعد از شناختن خدا چیزی را برتر از نماز نمی شناسم.» در آخرین لحظات شهادت خود به خویشان فرمود: «إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَحِفًّا بِالصَّلَاةِ.»^(۷) همانا شفاعت ما به کسی که نماز را سَبَّک شمارد نمی رسد.

پیامبر اسلام ترك عمدی نماز را کفر می داند و می فرماید: «مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ»^(۸) این کار بر خلاف گناهان دیگر، همراه با لَذّت و شهوت نیست؛ بلکه ترك نماز سهل انگاری است و بی اعتنائی به نماز نشانه ضعف ایمان و بی دینی به شُمار می آید.

به خاطر اهمیّت نماز بود که پیامبر (صلی الله علیه وآله) می فرمود: «قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ؛ نماز نور چشم من است.» و امام علی (علیه السلام) در حال نماز اولین شهید محراب شد. فاطمه (علیها السلام) بانوی نمونه اسلام هم چون پدر، آن قدر نماز خواند، که پاهای مبارکش ورم نمود. نور دیدگانش حسین و زینب (علیها السلام)، در سخت ترین روزهای زندگی خویش در واقعه عاشورا نماز نافله را نیز به فراموشی نسپردند. همه پیشوایان دین از نوادگان او، تا مهدی موعود (عج) همه عمر گرانهای خویش را صرف احیا و اقامه نماز به درگاه بی نیاز کرده اند.

حکمت های نماز در کلام حکیم ازلی

روشن است که نماز به عنوان يك عبادت کامل و جامع واجب اسلامی شامل مُقَدّمات، شرائط، اقوال آموزنده دینی، افعال سازنده زندگی، اذکار و تعقیبات مستحب، مبطلات و مکروهات و دارای احکام گسترده می باشد. به همان

۵. وسایل الشیعه، ج ۳، باب ۱۲، از ابواب اعداد الفرائض ش ۱.

۶. قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱، ص ۳۹.

۷. وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۱۲ از ابواب اعداد الفرائض ش ۱-۲.

۸. همان ج ۱، ابواب مقدمات العبادت باب ۲ ش ۲.

نسبت حکمت ها و رازهای مهم و ارزنده ای از سوی خدای حکیم در آن گنجانده شده است که در بیش از یکصد و بیست آیه قرآن کریم و بیست هزار حدیث آمده است، و در این مقاله مجال طرح همه آنها نیست.

مسلماً تك تك ارکان و اجزای نماز نیز دارای حکمت های عرفانی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است که اگر بخواهیم به همه آنها پردازیم مثنوی هفتاد من کاغذ می شود. از این رو با الهام از سخن مولا علی (علیه السلام): «ما لا يُدْرِكُ كَلْمَهُ لا يُتْرَكُ كَلْمُهُ» تنها به فلسفه و رازهای کلی نماز به درگاه بی نیاز در کلام محکم حکیم ازلی به شرح آن اشاره، و همین جا با پوزش از قرآنیان آگاه با حافظ عارف هم نوا می شویم:

آن کس است اهل بشارت که اشارت داند *** نکته ها هست، ولی محرم اسرار کجاست

۱- یاد خدا و احیای اصالت انسانی

چنانکه می دانیم نماز با توجه و خشوع و حضور قلب نمونه بارزی از ذکر قلبی و زبانی است که مسلمانان در اوقات پنجگانه نماز به عنوان يك وظیفه دینی با آن روبرو می شوند. و قرآن کریم می فرماید: (إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي)^(۹) همانا من الله هستم معبودی جز من نیست. پس مرا پرستش کن، و نماز را برای یادآوری من برپا دار!

خداوند در این آیه فلسفه اصلی نماز را ذکر یاد کرده است، که در فرهنگ اسلام و قرآن ذکر الله، ذکر اسماء الله، ذکر الاء الله، ذکر آیام الله، و ذکر اولیاء الله بکار رفته است. ذکر در لغت یاد آوری معنایی به زبان یا قلب است، و منظور از ذکر حضور خدا در دل یا به زبان آوردن نام و صفات پروردگار جهان است. چنان که قرآن می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا)^(۱۰) (واذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)^(۱۱) پیامبر اسلام (ص) نیز فرمود: «إِنَّمَا فُرِضَتِ الصَّلَاةُ وَ أُمِرَ بِالْحَجِّ وَ أُشْعِرَتِ الْمَنَاسِكُ لِإِقَامَةِ ذِكْرِ اللَّهِ؛ همانا نماز واجب شده و برای حج دستور رسیده و به مراسم عبادی آگاهی داده شده تا یاد خدا در میان خلق پایدار ماند.»

بنابراین در فرهنگ اسلامی، یاد خدا بهترین سرمایه زندگی آدمی است که روح انسان تشنه محبت و انس با خالق حقیقی را سیراب، و تغذیه و پیوند روح آدمی را با روح هستی بخش مستحکم می نماید. بشر را از خود فراموشی و از خود باختگی و سرگردانی نجات می دهد. به همین دلیل در قرآن و روایات، موانع یاد خدا و اسباب غفلت و نسیان، لهو (سرگرمی)، اعراض (روگردانی) که خطرناک ترین چهره فراموشی خداست به مسلمانان گوشزد شده تا از آن برحذر باشند.

چرا که فراموشی خدا همان بیگانگی از خود حقیقی، و وابستگی به خود طبیعی است. بی تفاوتی ها، هرزه گری ها، بی دادگری ها، و پوچ گرائی ها، و لأبالی گری ها را به ارمغان می آورد. چه اگر انسان بر سر سفره عالم نشست و نمک خورد و نمکدان شکست و ولی نعمت خود را نادیده گرفت، تیشه به ریشه خود می زند و سند بیچارگی خود را امضا می نماید. و به عذاب الهی گرفتار می شود: (و لا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ)^(۱۲)

اگر کسی به بیچارگی غفلت و بی خبری از خود، و فراموشی پیوند خویش با خدای جهان دچار شود؛ از افتخار انسانیت محروم، و به مرز حیوانیت تنزل مینماید. چنانکه قرآن می فرماید: (لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا هُمْ أَذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ)^(۱۳) ایشان دل دارند و با ان دین

۹- سوره طه، آیه ۱۵.

۱۰. سوره احزاب، آیه ۴۱.

۱۲. سوره حشر، آیه ۱۹.

۱۳. سوره اعراف، آیه ۱۷۸.

را عمیق نمی فهمند و دیدگانی دارند که با آنها نمی بینند و گوش هایی دارند که با آنها نمی شنوند. این گروه چون چهارپایانند، بلکه گمراه ترند و اینان همان غافلان و بی خبرانند.»

در این باره چه زیبا نوشته اند، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای «دام ظلّه»: «دین ضمن آنکه هدف و جهت و راه و وسیله را مشخص می کند، توش و توان لازم برای پیمودن راه را نیز به انسان می بخشد و مهم ترین کوله بار راهپیمایان این راه توشه‌ی «یاد خدا» است. روحیه طلب و امید و اطمینان که بالهای نیرومند برای پروازند، فرآورده و بهره یاد خدا می باشد.

یاد خدا از طرفی هدف را که همانا پیوستن به او-یعنی به بی نهایت خوبی و کمال-است، همواره در مدّ نظر قرار می دهد و مانع از گم کردن جهت گیری ها می شود و راهپیمایان را درباره راه و وسیله، حسّاس و هوشیار می دارد. از طرفی بدو قوت قلب و نشاط و اطمینان می بخشد و او را از سرخوردگی و فریفتگی به پدیده‌های مشغول ساز یا بیم از ناهنجاری ها و ناهمواری ها محافظت می کند.

جامعه اسلامی و هر گروه از مسلمانان در صورتی می تواند در راهی که اسلام ارائه داده و همه پیامبران به آن دعوت کرده اند به استواری، بی توقف و برگشت قدم بردارد، که خدا را فراموش نکند!»^(۱۴)

۲ - پیروزی بر مشکلات و شکیبانی

بدون تردید زندگی انسان در هر زمان دارای فراز و نشیب ، و یا اقبال و اِدبار است و هر شخصی با حوادث ناخوشایند و مشکلات زندگی روبه رو می شود. فردی موفق خواهد بود، که با آغوش باز در برابر این ناملازمات، خود را نبازد و با آنها دست و پنجه نرم کند که گفته اند:

اندر بلای سخت پدید آید *** فرّ و بزرگواری و سالاری

برای چیرگی بر مشکلات و ناگواری ها دو پایه اساسی لازم است، یکی درونی و آن ورزیدگی خاصّ انسان در مقابله با سختی ها و ناکامی ها است، و دیگر برونی که داشتن تکیه گاه نیرومندی است که بتواند هر آن از او مدد گیرد و به کمک او بر مشکلات فایق آید.

به خاطر همین است که قرآن می فرماید: (و اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ، وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ)^(۱۵) از روزه و نماز کمک گیرید^(۱۶) همانا نماز جز برای خاشعان گران است، که خداوند مَتَّان در آیه شریفه به انسان مؤمن آموزش می دهد: با گرفتن روزه و تَرَك مُبْطَلات آن، روحیه مقاومت را در برابر ناملازمات در خود تقویت نماید، و به وسیله نماز با برقراری ارتباط با قدرت لایزال الهی و استمداد از خدای مهربان روحیه خود را تقویت و به حلّ مشکلات همت نماید. به خاطر همین است که در روایات توصیه شده است: به هنگام هجوم هَمّ و غم و مشکلات وضو بگیرد و به مسجد بروید، و نماز بخوانید و دعا کنید. به نقل امام علی(علیه السلام) پیامبر(صلی الله علیه وآله) هر گاه که غم و اندوهی به او روی می آورد می فرمود: «أَرْحُنَا يَا بَلال، اى بلال با أذان و اعلام نماز، ما را آسوده نما.»^(۱۷)

بدون شك توجّه به نماز و راز و نیاز به درگاه بی نیاز، و برقراری ارتباط با خدا به عنوان تکیه گاه مطمئن برای جذب امدادهای غیبی، نیروی معنوی تازه ای در انسان ایجاد و او را برای پایداری در برابر ناهمواری ها آماده می سازد.

۱. سیّد علی خامنه ای، از ژرفای نماز، ص ۹-۸.

۱۵- سوره بقره آیه ۴۵.

۲. بر اساس روایت امام صادق (علیه السلام) در فروع کافی «ج ۴، ص ۶۳، خ ۷» تأویل صبر در آیه شریفه مزبور (صوم) می باشد از اینرو لفظ (صبر) در ایه مذکور به مفهوم مؤول آن (روزه) ترجمه گردیده است. رك: تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۱۵۳، ذیل تفسیر آیه مذکور و ترجمه تفسیر المیزان، از محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱، ص ۲۳۰.

۳. ملا محسن فیض، محجة البیضاء، ج ۱، ص ۳۷۷.

و استعانت از صبر و صلاة برای تحمل مشکلات و پیروزی بر امیال و شهوات و هوس های نفسان برای کسانی ممکن است که اعتقاد به مبدأ و معاد و کیفر و پاداش اخروی دارند و گرنه افراد بی ایمان در کشاکش زندگی بی پناه خواهند ماند.

به همین جهت است که در پایان آیه می فرماید: این کار جز برای کسانی که در برابر خداوند، با توجه کامل به نماز می ایستند، مشکل و سنگین است. به همین جهت در اسلام، نمازهای مستحی و نافله فراوان جهت برآوردن نیازها و رفع گرفتاری های مادی و معنوی زندگی معرفی شده، که شرط اصلی برآوردن حاجات، اعتقاد و ایمان کامل متقاضی و مشروع و مصلحت آمیز بودن حاجات، برای مؤمن است.

یاد آوری

تأثیر انکارناپذیر نماز در رفع نگرانی ها و دلهره های روان واقعی است که مورد تأیید صاحب نظران قرار گرفته است، که به نمونه هایی از آن اشاره می شود. دکتر آلکسیس کارل می نویسد: نماز به آدمی نیروی برای تحمل غم ها و مصائب می بخشد، انسان را امیدوار می سازد و قدرت ایستادگی و مقاومت در برابر حوادث می دهد.^(۱۸) گاندی پیشوای مصلح هند در جریان مبارزه با استعمار و تحمل رنج ها با کمک نماز، تجدید نیرو کرده و می گفت: اگر کمک نماز نبود، خیلی پیش از این باید دیوانه می شدم!

دیل کارنگی می نویسد: هر وقت همه توان خود را در برابر ناملازمات به کار بردیم. و تمام راه حل ها را آزمودیم و نتیجه دلخواه به دستمان نیامد، در حالی که امواج سهمگین یأس و نومیدی قلب و روحمان را می آزارد. آنگاه دست نیاز به نماز و به سوی خدا دراز کرده و از او یاری می خواهیم. راستی چرا ما قبل از این که دچار ناامیدی بشویم، چنین کاری نمی کنیم و چرا هر روز با خواندن نماز و نیایش به درگاه خدا از او یاری نمی خواهیم؟! ژاک دیمیش قهرمان سنگین وزن بکس جهان می گوید: هرشب قبل از اینکه به بستر بروم حتماً نماز و دعای خواند.^(۱۹)

گر چه برخی از اشخاص برای برطرف کردن مشکلات یا فرار از این مصائب و سختی ها خود را به خواندن کتاب داستان مشغول می کنند، یا به پارک و مسافرت می روند و یا خود را به بازی های ساده و تفریحات سالم سرگرم می سازند. و یا با کسی که به حرف های او گوش می دهد، درد دل می کنند، تا از فشارهای روان آنان کاسته شود و ای چه بسا که از دیدگاه روانشناسان این فعالیت ها در کاهش اضطراب مؤثر و این کارها نتیجه مثبت داشته باشد. اما مردان خدا از ناملازمات دنیا به اسباب دنیوی روی نمی آورند. بلکه به خدا، به نماز، نیایش با او رو می کنند که کارسازتر است.

۳ - پیشگیری از گناه و تباهی

در میان هر ملت برای پیشگیری از تخلفات و کجروی ها و مفساد اجتماعی و جنایت ها و جرایم فردی راهی پیش بینی شده است، که نیاز به هزینه سنگینی دارد. ولی اسلام علاوه بر ارشاد و اجرای قوانین کیفری: حدود، تعزیرات، قصاص و دیات با وضع عباداتی نظیر روزه و نماز و یادآوری خدا و معاد انسان فراموش کار را از پیروی هوس ها و ارتکاب گناه باز می دارد. قرآن کریم انگیزه اصلی عبادات امت اسلامی را با تعبیر مکرر (لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) رسیدن به تقوا و روحیه خدامداری در زندگی و دوری از گناه معرفی می نماید.

۱. علاء الدین، حجازی، فرهنگ نماز، ص ۴۴.

۲. سید محمد، حسینی نقش عبادت در سازندگی انسان، ص ۲۸.

اسلام می کوشد تا در سایه تقویت ایمان و تقوا، عوامل اصلی وادارنده به گناه و تخلف یعنی: شهوت، غضب، غرائز، امیال و احساسات و عواطف تعدیل نشده آدمی را از راه تعلیم، تلقین، تذکر کنترل نماید. تجربه نشان می دهد که نمازهای یومیّه، یکی از بهترین وسائل پیشگیری از گناه و تأمین امنیت به حساب می آید. چنان که در قرآن مجید می خوانیم (وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ)^(۲۰) و نماز را به پا دار، زیرا نماز از فحشا (گناهان بزرگ و پنهانی ناشی از شهوت) و منکر (گناهان بزرگ آشکار ناشی از غضب) باز می دارد، البتّه یاد خدا بزرگ تر از نماز است، و خدا به آن چه می کنید داناست.

آری نماز گزار واقعی که به نماز می ایستد و با تکبیر مکررّ خود خدا را از هر چه هست برتر و بالاتر می شمارد و به یاد نعمت های فراوان او سپاس و حمد او می کند و او را به رحمان و رحیم بودن می ستاید، او را مالک روز جزا معرفی می کند، ضمن اعتراف به بندگی تنها از او یاری می جوید، پیمودن راه راست را از او طلب می کند، از راه و روش مغضوبین و گمراهان، به او پناه می برد، برای خدا به رکوع خَمّ و برای سجده در پیشگاه او به خاك می افتد، غرق در عظمت او می شود، قهراً در اثر قرائت این اذکار آموزنده انگیزه انحراف و گناه در چنین شخصی، به ناپودی کشانده می شود.

بدون شك، از این راز و نیاز، در روح و قلب چنین انسانی از راه تلقین و تکرار و تمرین، جنبشی به سوی حقّ و جهشی به سوی پاکی ها ایجاد می شود و این امواج معنویّت که به برکت گفتگوی رویاروی با خدا حاضر و ناظر بر اعمال عباد، پدید می آید، همانند سدّ پولادین، مانع وقوع گناه در جامعه می شود. با توجه به ممنوعیت استفاده از مکان و لباس غصبی و هر گونه معصیت و تخلف در حال نماز، ترجیحاً از عادت زشت تجاوز به حقوق دیگران دست می کشد.

بدیهی است که هر چه نماز از شرایط کمال و روح عبادت (یاد خدا) که در آیه از خود نماز برتر شناخته شده، بیش تر برخوردار باشد، اثربیش تری در پیشگیری از گناه خواهد داشت. گاه در فردی نماز نمی کلیّ و جامع و در فرد دیگری نمی جزئی و محدود، از فحشاء و منکر می نماید. ولی ممکن نیست، کسی نماز بخواند و هیچ گونه اثری در او نبخشد. چه اگر افراد نماز گزار را احیاناً گنه کار می یابیم، اگر نماز نخوانند، مسلماً آلوده تر خواهند شد. چون نماز رابطه شخص با خداست و هر قدر که این اعتماد عمیق تر و محکم تر باشد، شخص به خدا نزدیک تر و از گناه دورتر می گردد.

۴ - فلاح یا رستگاری و آزادگی

مهم ترین آرمان های بشر آزادگی است، آزاد مردان جهان زندگی را به خاطر آزادی دوست دارند. از این رو مولا علی (علیه السلام) نیز، فرمود: «لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرّاً»^(۲۱) بنده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفریده است. در بینش قرآن تنها راه دست یابی بشر به آزادگی واقعی، ایمان و توجه کامل به خدا در هنگام نماز است و می فرماید: (قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ)^(۲۲) به راستی که مؤمنان رستگارانند، آنانکه در نمازشان خشوع می ورزند.

در این آیه اولین نشانه مؤمنان اقامه نماز با خشوع و توجه کامل به خدا معرفی شده است، زیرا خشوع به معنای حالت فروتنی و ادب روحی و جسمی در برابر بزرگی است که شخص، مجذوب جلال و شکوه خدا شود. در حال نماز

۱. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

۱. نهج البلاغه، الصالح، صبحی، نامه ۳۱، ص ۴۰۱، ابن عبدالرّه، عقد الفرید، ج ۳، ص ۱۵۵.

۲. سوره مؤمنون، آیات ۱ و ۲.

خود را مانند ذره ای بی مقدار در برابر حقیقت بی نهایت و قطره ای در برابر اقیانوس بیکران رحمت و قدرت و حکمت پروردگار داند. به گونه ای که همه چیز فراموش کند و چنان از خود غافل بماند که جز خدا را نبیند، چنین انسانی می تواند به فلاح برسد.

در فرهنگ اسلام به هر نوع پیروزی و رسیدن به مقصد و کامیابی اطلاق شده است؛ فلاح را نتیجه یاد فراوان خدا قرار داده، و فرمود: (و اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)^(۲۳) در منطق قرآن پرستش و کرنش نسبت به هر کس و هر چیز، جز برای خدا، از خود بیگانه شدن، وابستگی، و دل سپردن به هر چیز، بندگی و اسارت واقعی به حساب می آید. به همین دلیل، عبادت جز برای خدا حرام و ممنوع است، و تنها در پرتو ستایش و پرستش خداست که انسان با هدایت و امدادهای غیبی الهی، یارای مقاومت در برابر قدرت های اهریمنی و آزادی از هر نوع بندگی، دست می یابد.

۵ - اغتنام فرصت یا بهره وری

(و ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيحَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ)^(۲۴) و در آنچه خدا به تو داد سرای دیگر را بجوی (جستجو کن) و بهره ات را از دنیا فراموش مکن، و همان گونه که خدادر حق تو نیکی کرد نیکی کن. مخاطب مستقیم این آیه پول پرست خودخواه بنی اسرائیل، یعنی قارون است که در کنار فرعون مظهر زور و سامری، سمبل تزویر و فریب، به عنوان زر پرستی، با حضرت موسی مقابله می کردند.

در روایات ما بر نماز اول وقت تأکید شده، چنان که پیامبر (صلی الله علیه وآله) در پاسخ این سؤال که: برترین اعمال چیست؟ فرمود: «الصَّلَاةُ لِأَوَّلِ وَقْتِهَا»^(۲۵) علی (علیه السلام) نیز در نامه ای به محمد بن ابی بکر فرماندار مصر نوشت: «إِذَا تَقَبَّ وَقْتَ الصَّلَاةِ فَصَلِّهَا لَوْ قَبِيهَا وَ لَا تَعْجَلْ قَبْلَهُ وَ لَا تُؤَخِّرْهَا لِشُغْلٍ»^(۲۶) مراقب اوقات تعیین شده نماز هایت باش و در وقت فضیلت و مقرر آن را به جای آور. به خاطر بی کاری پیش از وقت آن شتاب مکن و برای کاری انجام آن را از وقتش تأخیر مینداز.»

امام صادق (علیه السلام) نیز می فرماید: «إِذَا تَحَنَّنَا شِيعَتُنَا عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كَيْفَ مُحَافَظَتُهُ عَلَيْهَا»^(۲۷)؛ پیروان ما را با نماز اول وقت بیازمایید که چگونه بر آن محافظت می نمایم.» حضرت رضا (علیه السلام) نیز به ابراهیم بن موسی حتی در بین راه فرمود: «غَفَرَ اللَّهُ لَكَ لَا تُؤَخِّرُونَ صَلَاةَ عَنِ أَوَّلِ وَقْتِهَا إِلَى آخِرِ وَقْتِهَا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ عَلَيْكَ أِبْدَاءً بِأَوَّلِ الْوَقْتِ»^(۲۸)؛ خدا ترا بیامرزد هیچ نمازی را بدون علت از اول وقتش به تأخیر مینداز، بر تو باد به نماز اول وقت.»

حتی در روایتی از نماز اول وقت تعبیر به رضوان الله و نماز آخر وقت تعبیر به غفران الله (عَفُوُّ اللَّهِ) شده است. این همه تأکید بر آدای نماز در اولین فرصت و خود داری از تأخیر وقت نماز همان موضوع بهره وری است.

استفاده صحیح از وقت و عمر برای زندگی بهتر و متعالی تر است که در اخلاق اسلامی از آن به «اغتنام فرصت» تعبیر شده است. اولین درس نماز این است و هدر دادن سرمایه گرانهای عمر و فرصت های طلایی ای که چون ابر به طور نامحسوس، در گذر است.

۳. سوره انفال، آیه ۴۵.

۴. سوره قصص، آیه ۷۷.

۲۵. سفینة البحار، ج ۲، ص ۴۳.

۲۶. بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۱۵.

۲۷. همان، ص ۴۴.

۲۸. همان، ص ۲۱.

امام علی (علیه السلام) فرمود: «الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَانْتَهِزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ»^(۲۹) از دست دادن فرصت خسارت بزرگی است که به هیچ وجه قابل جبران نیست و اگر عاقلانه از آنها بهره برداری نشود، جز پشیمان و اندوه چیزی عاید انسان در دنیا و آخرت نخواهد شد. چنان که حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «إِذَا أَمَكَّتِ الْفُرْصَةُ فَانْتَهِزُوا فَإِنَّ إِضَاعَةَ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ»^(۳۰); وقتی فرصتی برای پیش آید. آن را غنیمت شمار چرا، که از دست دادن فرصت ها باعث غصه و اندوه می شود.» سعدی با الهام از این احادیث می گوید:

بودم جوان که گفت مرا پیر اُستاد *** فرصت غنیمت است، نباید ز دست داد

و نیز مولانا می فرماید:

مافات مَضَى، و ماسیأتیک فَأَيْنَ *** قَمِ فَأَعْتِمِ الْفُرْصَةَ بَيْنَ الْعَدَمَيْنِ

که سعدی سروده است:

سعدیا دی رفت و فردا هم چنان موجود نیست *** در میان این و آن فرصت شمار امروز را

پیامبر (صلی الله علیه وآله) در وصایای خویش به اباذر فرمود: «يا اباذرُ اغْتِمِ خَمْسًا قَبْلَ حَمْسٍ: شِبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ وَ صِحَّتَكَ قَبْلَ سَقَمِكَ وَ غِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ وَ فَرَاغَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ وَ حَيَاتَكَ قَبْلَ مَوْتِكَ»^(۳۱); ای ابوذر پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت دان؛ جوانیترا پیش از پیری، سلامتیت را قبل از بیماری، دارائیت را پیش از تنگ دستی، فراغت و بیکاری، پیش از گرفتاری، زندگی ات را پیش از مرگ.»

به این ترتیب پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) پنج نعمت بزرگ را هشدار می دهد، که باید از این موهبت های الهی، به موقع بهره برداری شود تا از دست نرود و در راه پیشرفت خود و جامعه از اینها استفاده گردد، مبدا که با سوء استفاده از اعتقاد به توکل و تقدیر الهی، از تلاش و کوشش به خاطر کسالت و تنبلی و یأس و نومیدی، که مهم ترین عامل عدم استفاده از فرصتهاست، برای تأمین آینده باز ایستیم، و از ثروت عمر و جوانی خود بهره نگیریم. حتی در روایات ما تسويف از الفئات شیطانی، یعنی کار امروز به فردا افکندن مورد نکوهش قرار گرفته است. به فرموده قرآن: (و لَا تَأْتِنُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ) ^(۳۲) و (لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ) ^(۳۳) از این رو مسلمانان را نشاید کار امروز به فردا افکند از خود مأیوس شود. بلکه در سایه نمازهای پنجگانه روح امید را در خود بیافزاید و بکار مفید روزمره خود با استفاده از فرصت ها پردازیم. که سعدی شیرین سخن می گوید:

جوانا ره طاعت امروز گیر *** که فردا جوانی نیاید ز پیر

فلسفه نماز از دیدگاه برگزیدگان

پیامبر اسلام (ص) که نخستین نمازگزار کامل بود، در سفر معنوی معراج، حقیقت و روح نماز به او ارائه شده، وقتی از اسرار و حکمت های نماز از حضرتش می پرسند با چهره باز بالبداهه بیست و شش راز و رمز وجوب نماز را برای نمازگزار می فرماید:

«الصَّلَاةُ مِنْ شَرَايِعِ الدِّينِ، وَ فِيهَا مَرْضَاتُ الرَّبِّ، وَ هِيَ مِنْهَاجُ الْأَنْبِيَاءِ، وَ لِلْمُصَلِّي حُبُّ الْمَلَائِكَةِ، وَ هَدْيٌ، وَ إِيْمَانٌ وَ نُورٌ الْمَعْرِفَةِ، وَ بَرَكَةٌ فِي الرِّزْقِ، وَ رَاحَةٌ لِلْبَدَنِ، وَ كَرَاهَةُ الشَّيْطَانِ، وَ سَلَاخٌ عَلَى الْكَافِرِ، وَ اجَابَةٌ لِلدُّعَا، وَ قَبُولٌ لِلْأَعْمَالِ وَ زَادُ الْمُؤْمِنِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَى الْآخِرَةِ، وَ شَفِيعٌ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْمَلِكِ الْمَوْتِ، وَ أَنْسٌ فِي الْقَبْرِ، وَ فَرَاشٌ تَحْتَ جَنِبِهِ، وَ جَوَابٌ لِمَنْكُرٍ وَ نَكِيرٍ، وَ تَكُونُ صَلَاةُ الْعَبْدِ عِنْدَ الْخَشْرِ تَاجًا عَلَى رَأْسِهِ، وَ نُورًا عَلَى بَدَنِهِ، وَ سِتْرًا بَيْنَهُ، وَ بَيْنَ النَّارِ، وَ

۲۹. نوح البلاغه، فیض الاسلام، ج ۲، ص ۴۷۶.

۳۰. آقا جمال، خوانساری، شرح غرر الحکم، ج ۳، ص ۱۷۰.

۳۱. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۵۰۵، و الحدیث، ۲، ص ۳۶۸.

۳۲. سوره یوسف، آیه ۸۷.

۳۳. سوره زمر، آیه ۵۳.

جوازاً على الصراط، و مفتاحاً للجنة، و مهوراً للخور العين، و ثمناً للجنة بالصلاة يبلغ العبد الى الدرجة العلى، لان الصلاة تسبيح، و تمليل، و تمجيد، و تكبير، و تمجيد، و تقدیس، و قول و دعوة^(۳۴)؛

نماز از احكام دين است كه اين اسرار را در بر دارد: ۱- رضا و خرسندی پروردگار ۲- راه پيامبران به سوى خدا ۳- محبوبيت نزد فرشتگان ۴- وسيله رهنمائي به حق ۵- سرمايه ايمان ۶- روشنائي براي شناخت خدا ۷- افزايش روزي ۸- آسايش بدن ۹- ناخرسندی و آزار شيطان ۱۰- سلاح براي نبرد با كافران ۱۱- اجابت دعا و نيايش ۱۲- پذيرش اعمال عبادي ۱۳- توشه مؤمن از دنيا براي آخرت ۱۴- واسطه ميان نمازگزار و فرشته مرگ ۱۵- همدم عالم قبر ۱۶- فرش بستر آرامگاه ۱۷- پاسخ بازجوي نكبر و منكر ۱۸- تاج افتخار بر سر ۱۹- نورانيت چهره ۲۰- پوشاك بدن ۲۱- مانع ميان بنده و آتش جهنم ۲۲- پروانه گذر از صراط ۲۳- كليد ورود به بهشت ۲۴- كابين سيه چشمان بهشتي ۲۵- بهاي بهشت موعود ۲۶- وسيله عروج به مرتبه بالاي بهشتي. «زيرا نماز مجموعه اي از تسبيح(سبحان الله گفتن) و تمليل (لا اله الا الله گفتن) و تمجيد و بزرگ داشت و تقدیس و تزئيه خدا از عيب و كاستی است، و گفتار حق و فراخوانی بسوی درستی و خويی ها است.»

حضرت علي(عليه السلام) نیز در سخنانی كه پيرامون حكمت های احكام فرموده اند، برجسته ترين فلسفه نماز را كبر زدايي می داند، و می فرماید: «وَالصَّلَاةُ تَنْزِيهَا عَنِ الْكِبْرِ^(۳۵)» خداوند حكيم نماز را برای پاك سازی انسان از بيماری كبر و خود برتر بيني مقرر فرموده است.

حضرت علي بن موسی الرضا(عليها السلام) در بيان علت و جوب نماز در اسلام می فرماید: «إِنَّ عِلَّةَ الصَّلَاةِ أَنَّهَا إِقْرَارٌ بِالرُّبُوبِيَّةِ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ حَلْعُ الْأَنْدَادِ وَ قِيَامٌ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ جَلَّ جَلَالُهُ بِالذُّلِّ وَ الْمَسْكِنَةِ وَ الْخُضُوعِ وَ الْإِعْتِرَافِ وَ الطَّلَبِ لِلْإِقَالَةِ مِنْ سَالِفِ الذُّنُوبِ وَ وَضْعُ الْوَجْهِ عَلَى الْأَرْضِ كُلِّ يَوْمٍ إِعْظَامًا عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنْ يَكُونَ ذَاكِرًا غَيْرَ نَاسٍ وَ لَا بَطْرٍ وَ يَكُونَ خَاشِعًا مُتَذَلِّلًا رَاغِبًا طَالِبًا لِلزِّيَادَةِ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْإِجَابِ وَ الْمُدَاوِمَةَ عَلَى ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ لَعَلَّ يَنْسَى الْعَبْدُ سَيِّدَهُ وَ مَدْبَرَهُ وَ خَالِقَهُ فَيَبْطِرُ وَ يَطْغَى وَ يَكُونَ فِي ذِكْرِهِ لِرَبِّهِ وَ قِيَامِهِ بَيْنَ يَدَيْهِ زَجْرًا لَهُ عَنِ الْمَعَاصِي وَ مَا نَعَالَهُ عَنْ أَنْوَاعِ الْفَسَادِ»

اما علت این كه نماز بر مردم واجب شد این است كه نماز گزار به پروردگاری خداوند بزرگ و شكست ناپذیر اعتراف می كند، هر گونه شرکی را از ساحت قدس او رها و دور می سازد و در پیشگاه خداوند جبار و با شكوه با حالت خوارى و بی چارگی و فروتنی و اقرار به زبونی خویش می ایستد و چشم پوشی از گناهان گذشته خویش را از حضرت حق می خواهد، و هر روز صورت بر زمین می گذارد، تا خدای عزوجل را تعظیم نماید، و همواره به یاد او باشد، و آن او را فراموش نکند تا سرکشی بنماید.

تا این كه حالت دل شكستگی و خود کمی بينی و رغبت به او را از دست نداده، و خواستار افزايش دين و دنياي خود باشد. افزون بر اينها نماز پاسخ گویی به خدا و استمرار و ادامه یاد او در تمام شبانه روز است تا مگر بنده سرور و اداره کننده امور، و آفریدگار خود را فراموش نکند، كه نتیجه فراموشی خدا ناسپاسی و گردنكشی است ولی یاد خدا و به نماز ایستادن در پیشگاه او بنده را از همه گناهان باز می دارد، و از هر گونه فساد و تباهی جلوگیری می كند.^(۳۶)

عاشورا روز تبلور نماز عاشقانه

۳۴. بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۱، ش ۵۶.

۳۵. نهج البلاغه، منجی صالح، حكمت ۲۵۵.

۳۶- حر عاملی، وسایل الشیعة، ج ۳، علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲.

نماز در اسلام اگر چه يك عبادت فردی و وسیله پیوند معنوی عبد با معبود واقعی است که هر مسلمان در هر شرایطی باید در آدای این وظیفه شرعی تلاش نماید، بلکه باید در احیا و اقامه این فریضه دینی در جامعه اسلامی همت گمارد.

در قرآن کریم بیش از چهل بار از اقامه نماز و به یاد داشتن آن سخن به میان آمده: (أَقِمُوا الصَّلَاةَ) یازده بار، (أَقَامُوا الصَّلَاةَ) نه بار، (أَقِمِ الصَّلَاةَ) پنج بار (يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ) شش بار و ... در زیارت نامه امامان (علیهم السلام) به ویژه حضرت سید الشهداء (علیه السلام) نیز می خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ...» و یکی از امتیازهای این بزرگان را اقامه نماز می دانیم.

حضرت ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) به فرموده امام چهارم، در تمام عمر، شبانه روز هزار رکعت نماز خواند^(۳۷) بلکه در شب و روز عاشورا یعنی در سخت ترین شرایط، از اقامه نماز آن هم به جماعت کوتاهی نفرمود و حتی حکمت در خواست مهلت يك شبه از دشمن زبون را عشق به نماز معرفی و خطاب به برادرش ابوالفضل (علیه السلام) فرمود: «تَدْفَعُهُمْ عَنَّا الْعَشِيَّةَ لَعَلْنَا نَصَلِّيَ لِرَبِّنَا اللَّيْلَةَ وَ نَدْعُوهُ وَ نَسْتَغْفِرُهُ فَهُوَ يَعْلَمُ أَنِّي قَدْ كُنْتُ أَحِبُّ الصَّلَاةَ لَهُ وَ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ»^(۳۸)

آنها را امشب از جنگ باز دار، باشد که امشب را در پیشگاه پروردگاران به نماز و نیایش و طلب آمرزش بایستیم، که خدا می داند من همواره نماز، دعا، و استغفار را دوست داشته ام.»

امام (علیه السلام) در این عبارات خود را عاشق نماز خواننده و این درسی است که نماز گزار واقعی نه تنها باید نماز خوان باشد، بلکه همیشه باید دوستدار نماز و مروج فرهنگ نماز در جامعه انسانی باشد.

سنگ های دشمن دون از هر سو امام را احاطه کرده بود و از سوی دیگر تشنگی و داغ عزیزان بر او فشار می آورد و گریه و شیون زنان و کودکان دل سوخته حرم پیامبر دلش را می آزرده. همانند پدرش علی در لیلة الهزیر و میدان نبرد صفین در گیراگیر خون و آتش جنگ و در شرایط بحران و بسیار خطرناک با یاران خود به نماز جماعت ایستاد و با این نماز عارفانه و عاشقانه خویش از سرزمین گرم و سوزان نینوا به همگان پیام اقامه نماز در اولین وقت آن، آن هم به جماعت داد.

حضرت ابی عبد الله (علیه السلام) در آن روز تاریخی و حماسه ساز، چنان نمازی خواند که هیچ کس پیش از او و بعد از او توفیق انجام چنین عبادت جامع و کاملی را نیافت. زیرا امام حسین (علیه السلام) در ظهر عاشورا تمام ابعاد، اسرار، افعال، و اقسام يك پرستش مخلصانه و نماز عاشقانه را در زیباترین و کامل ترین نوع آن در پیش دیدگان دوست و دشمن، به نمایش گذاشت.

نماز خاصی که با خون دل، وضو گرفت و با تربت پاك كربلا تیمم نمود و بامداد آن روز همه جلوه های پرستش اعم از عبادت ظاهری، باطنی، بدنی، قلبی، مادی، معنوی، فردی و گروهی در آن نماز تبلور یافته بود.^(۳۹) پس از پایان نماز خوف اولین شهید راه نماز در جبهه كربلا، سعید بن عبد الله حنفی را در آغوش گرفت او از امام سوال کرد: اوفیت آیا به عهدم وفا کردم؟ حضرت فرمود: أنت أمامی فی الجنة؛ آری تو در بهشت پیش روی من هستی.»

به تعبیر اهل معنا دو سه ساعت دیگر، برای امام همام نماز دیگری پیش آمد که: تکبیرة الاحرام، قیام، قرائت، رکوع، سجود، تشهد و سلام ویژه ای داشت، تکبیر آن را با فرو افتادن از ذوالجنح سر داد، و قیام را به هنگام هجوم دشمن

۳۷. بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۳۱۱، ش ۱۷؛ ابن عبد ربه، العقد الفريد، ج ۳، ص ۱۲۶؛ بحران، عوالم، ج ۱۷، ص ۶۱، ش ۱.

۳۸. شیخ مفید، الارشاد، ص ۲۳۰، طبرسی، اعلام الوری، ص ۲۳۴، ابن اثیر، الکامل ج ۲، ص ۵۵۸.

۳۹- عزیززی، عباس، نماز و عبادت امام حسین علیه السلام، ص ۳۴.

دو ن به خیام حرم، رکوع آن زمان بود که تیری به قلب مقدّسش اصابت کرد و مجبور شد حضرت قامت خم کند. تا آن را از پشت سر بیرون بیاورد!

و آخرین سجده خونین امام، بر پیشانی نبود، بلکه وقتی نیزه صالح بن وهب مزنی بر پهلوی آن حضرت اصابت کرد و امام (علیه السلام) گونه راست روی تربت گرم نهاد و این ذکر از سوز دل بر زبان داشت که: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مَلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، إلهي رِضًا بِقَضَائِكَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِكَ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ» و تشهّد و سلامش با خروج و عروج روح بلند ملکوتیش به شاحسار جنان همراه بود. ولی دیگر خود نتوانست سر از سجده بردارد و تا دشمن سر مقدّس آن حضرت را به اوج سنان و نیزه بالا برد. که آن حضرت با تلاوت آیات سوره کهف به عنوان تعقیب نماز، دشمن را تهدید و عقوبت فرمود^(۴۰): چه خوب سروده است صغیر اصفهانی:

الحق نماز او به در بی نیاز کرد *** کز خون وضو گرفت و به مقتل نماز کرد
عشق از شه شهید بیاموز کان چه داشت *** از جان و دل به درگه جانان نیاز کرد
ساقی هر آنچه جام بلا دادش به دست *** دست از برای ساغر دیگر دراز کرد
گه در تنور گه به سنان شد سرش عجیب *** در راه عشق طیّ نشیب و فراز کرد
در دل «صغیر» را چه شرر بود کاین چنین *** جان ها کباب از سخن جان گداز کرد

مشروعیت و کیفیت نماز خوف

چنان که می دانیم به فرموده پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) نمازهای پنج گانه شبانه روزی نخستین عملی است که بالا برده می شود و اولین عملی است که در قیامت از انسان سؤال می شود که اگر پذیرفته شود بقیه اعمال آدمی پذیرفته می شود و گرنه دیگر کارهای دینی مورد قبول درگاه الهی قرار نمی گیرد^(۴۱).

از نظر فقیهان با توجه به آیات وارده از جمله (فَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا)^(۴۲) نماز را به پا دارید زیرا نماز وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است. و نیز: (وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا)^(۴۳) ای پیامبر و ابستگان را به نماز فرمان ده و بر انجام آن باجدیت شکبیا باش. و جوب عینی نمازهای یومیّه بر همه مکلفان، جز زنان در دوران عادت ماهیانه، در هر شرایط و با هر کیفیت ممکن، حتّی با اشاره پلک ها و ذکر قلبی تنها، ضروری دین شناخته شده است.

حتّی در میدان کارزار، و در حال درگیری با دشمن غدار به عنوان نماز خوف و مُطَارَدَه باید انجام گیرد. که مشروعیت نماز خوف و جواز قصر آن در سفر و حَضَر، در زمان غیبت نیز مورد اتفاق فقهای اسلامی است، جز مالک که بر این باور است که در حَضَر نماز خوف دو رکعتی و قصر نمی شود، و تنها از کیفیت ادای آن کم می شود؛ نه کمیت رکعات نماز.

مستند دیگر فقهای ما افزون بر نماز خوف پیامبر (ص) در غزوات: ذات الرّقاع سه میلی مدینه در منطقه نجد؛ و بطنُ التّخیل (بین طائف و مکه) و عُسفان (۳۶ میلی بین مکه حُجَفَه) و نماز خوف امیر مؤمنان در صفین و لیلة الهَریر، و نماز ظهر عاشورای سیّد الشّهداء (علیه السلام) و دیگر روایات در این باب، آیه شریفه است که می فرماید:

۴۰. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۲۱ و ۱۸۸؛ ابن طاووس، الملهوف ص ۱۷۴-۱۷۰؛ عباس عزیزی، نماز و عبادت امام حسین (علیه السلام)، ص ۳۷-۵۷.

۴۱. وسائل الشیعة، ج ۳، باب ۱، ش ۲.

۴۲. سوره نساء، آیه ۱۰۳.

۴۳. سوره طه، آیه ۱۳۲.

(و إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا، إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا. وَإِذَا كُنْتُمْ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلِتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَذَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذَى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَ خُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا. فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا)^(٤٤)

ترجمه منظوم آیات مزبور از زبان شاعر جوان معاصر نیشابوری که بسیار رسا و زیباست، چنین است:

چو راه سفر را گرفتید باز *** گناهی نباشد شکسته نماز
 دو رکعت بخوانید جای جهاد *** به فرمان و دستور پروردگار
 نگردید غافل ز کفار حواری *** ز نیرنگ آن قوم ناسازگار
 که بس آشکار است آن دشمنی *** که دارند آن کافران دنی
 پس آن که که شخص تو ای مصطفی *** میان سپاهی به وقت غزا
 چو خواهی که برجای آری نماز *** عبادت کنی خالق بی نیاز
 گروهی مسلح شونت عسس *** نگهبان بگردند از پیش و پس
 پس آن که که سجده به جای آورند *** نماز و عبادت به پایان برند
 گروهی که اول نخوانده نماز *** خود از بهر خواندن بیایند باز
 بیایند افراد آن با سلاح *** نماید خرد بر تو راه صلاح
 بلی کافران می کشند انتظار *** که غفلت نماید در کارزار
 که ناگه به سوی شما حمله ور *** بگردند با نیزه و با سپر
 چو بیماری و بارش آسمان *** شما را به رنج افکند، آن زمان
 گناهی نباشد گشایید اگر *** در آن چند لحظه سلاح از کمر
 ولیکن در این حال هم بر حذر *** بمانید از خصم تیره گهر
 که از هر کفار روز شمار *** عذاب نهاد است پروردگار
 که گردند نابود و حواری و ذلیل *** بر آنها تباهی بگردد گسیل
 پس از آن که پایان پذیرد نماز *** بمانید در حالت احتراز
 به هر حال کاید به دست شما *** نماید تسبیح یکتا خدا
 به پهلوی و بنشسته و ایستا *** به هر حال گوید ذکر خدا
 پس از آن که که ایمن شدید از عدو *** چو دانید ناید گزندی از او
 در این حال خوانید کامل نماز *** «بگردید مشغول راز و نیاز»
 که بر مؤمنان به پروردگار *** بود واجب این حکم در روزگار^(٤٥)

بنابراین چگونگی اجرای این نماز در میدانی نبرد در آغاز به وسیله قرآن کریم در قالب نمونه، بیان شده است تا برای مسلمانان واضح تر و زیباتر از کار درآید و به تعبیر منطقی از نوع تعریف به مثال است.

پیامبر را امام جماعت فرض کرده، و مأمومین را به دو گروه دسته بندی کرده است. که امام صادق(علیه السلام) در توضیح آن چنین فرمود: رسول خدا(صلی الله علیه وآله) در جنگ ذات الرقاع با اصحاب خود به نماز ایستاد.

٤٤ سوره نساء، آیات ١٠١-١٠٣.

٤٥ امید، مجد، قرآن مجید با ترجمه منظوم، ص ٩٥-٩٤.

«به این صورت که یاران را دو قسمت کرد: يك دسته را رویاروی دشمن قرار داد، و با دسته دیگر نماز خواند. آن حضرت تکبیر فرمود آنان نیز گفتند، آن جناب حمد و سوره خواند و آنان ساکت بودند، او رکوع نمود آنان نیز رکوع کردند، او سجده به جا آورد آنان نیز سجده کردند.

سپس پیامبر خدا برای رکعت دوم به پا خواست، و دیگر چیزی از حمد و سوره رکعت دوم نخواند تا نماز گزاران به صورت فرادا رکعت دوم خود را به پایان بردند، و به یکدیگر سلام دادند، و جای خود را با گروه محافظان عوض کردند، و در برابر دشمن ایستادند.

دسته دوم که تا کنون در برابر دشمنان ایستاده بودند، با پیامبر(صلی الله علیه وآله) اقامت نماز جماعت بستند. آن جناب تکبیر گفت آنان نیز گفتند و در حال قرائت پیامبر سکوت کردند. تا آن حضرت به رکوع رفت آنان نیز به رکوع رفتند آن حضرت سجده نمود آنان نیز به سجده رفتند. آن گاه پیامبر خدا نشست و تشهد خواند و سلام داد آنان برخاستند و يك رکعت باقی مانده خود را فرادا به پایان بردند، و در آخر به یکدیگر سلام دادند؛ و این همان نماز خوفی است که خداوند به پیامبرش دستور داده است. (۴۶)

بر اساس قاعده فقهی: «الْمَيْسُورُ لَا يَسْقُطُ بِالْمَعْسُورِ» با حدّ اقل اذکار و به هر صورت که مقدور باشد، انجام می گیرد. نماز خوف با توجه به آیات یاد شده به دو نوع: خوف و شدت خوف یا مُطَارَدَه دسته بندی می شود، که معروف ترین نماز خوف نوع نخست همان خوف ذات الرقاع است، که برای نخستین بار توسط نبی اکرم(صلی الله علیه وآله)، اجرا شد، و کیفیت آن مورد پذیرش همه فقیهان مذاهب برجسته اسلامی است.

از این رو حضرت علی و امام حسین (علیهما السلام) در صفین و کربلا و حتی خدیفة بن یمان در فتح طبرستان (۴۷) در مجبوحه نبرد پس از درگذشت پیامبر نماز خوف به جای آوردند. تأکید آیه تشریح نماز خوف بر اقامه آن به جماعت به امامت آن حضرت حتی در میدان جنگ با کفار افزون بر مشروعیت آن بیان گر اهمیت اصل نماز آن هم به جماعت، و در اوّل وقت می باشد. مطمئناً چنین نمازی در تأمین آرامش روان رزمندگان و بالا بردن روحیه آنان در نبرد با دشمنان و هم دلی و هماهنگی مسلمانان، تأثیر به سزائی داشته، و خواهد داشت. که شرایط اجرایی آن از این قرار است:

۱- مدافعان مسلمان در میدان نبرد دست کم قابل تفریق به دو دسته پاسدار و نماز گزار باشند.

۲- دشمن قوی و نگرانی منطقی از هجوم دشمن به رزمندگان در حال نماز باشد.

۳- نماز به جماعت و رو به قبله باشد، و دشمن در جهت قبله مستقر نباشد.

۴- حفظ آمادگی دفاعی در حین نماز با همراه داشتن اسلحه اگر چه خون آلوده باشد.

چرا که نماز خوف از عدو، آتش بس موقت يك جانبه از سوی فرمانده مجاهدان مسلمان به دشمنان اسلام است. در میدان نبرد اگر مدافعان اندک و یا دشمن نزدیک و یا در حال زد و خورد و درگیری، خوف شدید، باشد نماز مُطَارَدَه خوانده می شود. چنان که امیر المؤمنین(علیه السلام) در لیلۃ الهزیر نمازش در اذکار تسبیح و تحمید و تکبیر و تهلل خلاصه شده بود.

چگونگی نماز خوف در ظهر عاشورا

امام حسین(علیه السلام) روز دوم محرم الحرام وارد سرزمین کربلا شد، و عصر روز عاشورا به شهادت رسید. بنابراین مدت اقامت حضرت و یاران و همراهانش در کربلا هشت روز بیش تر نبود، و مسافری که کم تر از ده روز در جایی بماند البته در صورتی که مردّد نباشد و سفر او شرعی باشد نمازش کوتاه و دو رکعتی می شود.

۴۶. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۹، و نیز منابع دیگر فقهی از جمله جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۹۳-۱۵۵ و دروس فی الفقه المقارن، ج ۱، ص ۳۳۷-۳۴۲ و تحریر الروضة فی شرح اللمعة، ص ۶۹ را ببینید.

۴۷. جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۵۵. و سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۲۳، ش ۱۲۴۶، و دروس فی الفقه المقارن حناتی، ج ۱، ص ۳۳۷.

بنابراین هر چند نماز خوف هم به فتوای اکثریت قریب به اتفاق فقیهان، حتی در حضر هم قصر و دو رکعتی می شود اما در آن بیابان امام هم مسافر بود و هم در حال خوف به سر می برد و نوع نماز آن حضرت نماز خوف ذات الرقاع بود که به جماعت برگزار شد. با این تفاوت که در این غزوه پیامبر (علیه السلام) با کفار در حال نبرد بود، و امام حسین (علیه السلام) در بیابان کربلا با باغیان و شورش گران در حال جنگیدن بود. و این عمل امام (علیه السلام) مشروعیت اقامه نماز خوف در مقابله با آشوب گران را اثبات می نماید.

در حالی که امام (علیه السلام) به همراه یاران به نماز ایستاده بود یزیدیان سنگ دل نه تنها به نماز گزار و نماز احترام نگذاشتند دهان به زخم زبان گشودند و با سوء استفاده از این فرصت به سوی این نماز گزاران عاشق و مدافعان اسلامی تیر اندازی کردند، و قلب نماز گزار را چون سعید بن عبد الله را نشانه رفتند، و او را به شهادت رساندند، و کوفیان غدار با این کار خود به بی اعتنائی خود به نماز و شعائر مقدس دین، به خاطر دنیا و منافع بودن خویش اثبات کردند.

طبری و دیگران نوشته اند: در گرما گرم نبرد عاشورا در عرصه کربلا، یکی از تابعان و شجاعان شیعه و یاران علی (علیه السلام) و یاوران مسلم بن عقیل در کوفه، به نام عمرو بن عبد الله معروف به ابو ثمامه صاعدی دریافت که ظهر است و خطاب به سید الشهدا (علیه السلام) عرض کرد: «یا ابا عبد الله نفسی لك الفداء انی اری هولاء قد اقتربوا منك لا والله لا تقتل حتی أقتل دونك ان شاء الله و احب ان ألقى ربی لقد صلیت هذه الصلاة التي دنا وقتها، فرفع الحسين (علیه السلام) رأسها ثم قال: ذكرت الصلاة جعلك الله من المصلين الذاکرين. نعم هذا اول وقتها»^(۴۸)؛

ای ابا عبد الله: جانم به فدایت که این گروه قصد جان تو کرده اند نه به خدا کشته نمی شوی مگر به خواست خدا من در راه تو کشته شوم. و دوست دارم در حالی پروردگارم را ملاقات نمایم که این نماز را که وقتش فرا رسیده به جای آرم. امام (علیه السلام) نگاهی به آسمان نمود و فرمود: آری اکنون اول وقت نماز است، و در حق او دعا فرمود که: نماز را یاد کردی خدا ترا از نماز گزاران ذاکر قرار دهد.»

یادآوری

این نکته نیز ضروری است که هرگز این گونه نبود که يك مجاهد والامقام به فکر نماز ظهر باشد، ولی امام معصوم (علیه السلام) در اندیشه نماز اول وقت به جماعت نباشد، بلکه امام (علیه السلام) به طور قطع و مسلم آماده انجام این فریضه دینی بود، لذا فرمود: ذكرت الصلاة و نفرمود: ذكرتی، و از این جمله منظور امام (علیه السلام) تشویق ابو ثمامه، و دیگر نماز گزاران و رزمندگان به نماز، و به یاد خدا بودن در هر حال است و این درسی بود که امام (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امیر مؤمنان (علیه السلام) در میادین نبرد اسلام آموخته بود.

در جنگ صفین عبد الله ابن عباس، امام علی (علیه السلام) را نگران آسمان و در حال انتظار در ببحوحه نبرد دید و با شکفتی پرسید: چرا به آسمان نگاه می کنی؟ حضرت فرمود: مراقب اول وقت نماز. ابن عباس گفت: اکنون مصلحت ما نیست، دست از جنگ بکشیم. حضرت در پاسخ فرمود: چنین نیست؛ «أئنا قاتلناهم علی الصلاة»^(۴۹) جز این نیست که ما بخاطر نماز با آنان می جنگیم.»

این موضع گیری برای همه پیروان علی (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) درسی است که بخاطر بسپارید که نماز باید همه امور را تحت الشعاع قرار دهد و به تعبیر روایات و شهید رجایی: «به کار بگویید وقت نماز است.»

۴۸. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۳۹، ابن اثیر، الكامل ج ۴، ص ۷۰، ابن طلوس، الملهوف ص ۱۶۵، ابو مخنف، مقتل الحسين (علیه السلام)، ص ۱۴۲ مجلسی، بحار ج ۴۵، ص ۲۱، محدث قمی، نفس المهموم ص ۲۷۰-۲۷۲، بحران، عوالم ج ۱۷ ص ۲۶۲ و موسوعة الامام الحسين (علیه السلام) ج ۳ ص ۵۹۲-۵۸۲.

۴۹. وسائل الشیعه، ج ۳، باب ۴۱ از ابواب مواقیب الصلاة، ش ۱.

مرحوم مقرر در مقتل الحسين (عليه السلام) می نویسد: امام پس از ادای نماز ظهر عاشورا به جماعت در سخنان کوتاهی به یارانش فرمود: «يا كرام هذه الجنة فبِحَتِّ ابوابها واتصلت اثمارها و ائبعت ثمارها و هذا رسول الله الشهداء الذين قتلوا في سبيل الله يتوقعون قدومكم و يتباشرون بكم فهاموا عن دين الله و دين نبيه و ذبوا عن حرم الرسول»^(۵۰)

ای بزرگ منشان، این بهشت است که برای شما درهائش باز و رودهایش به هم پیوسته و میوه هایش رسیده و این پیامبر خدا و شهیدان راه خدا هستند که در انتظار ورود شما به سر می برند. پس بر عهده شماست که از دین خدا و پیامبرانش حمایت و از حرم پیامبر دفاع نمائید.»

سخن آخر با عاشوراییان

بسیاری از قدرت مندان تاریخ بشر بر پایه حسّ خلود و عشق به ماندن همیشگی مایل بودند که پس از مرگشان نام و یادشان زنده بماند و چه بسا که بناهای یادبودی پیش از مرگ برای خود ساخته اند، و یا کتیبه های سنگی یا فلزی از خود به یادگار گذاشته اند ولی هرگز این نوشته ها در دل ها و سینه ها جا نگرفت.

اما آرمان های مردان الهی و پیام های منادیان دین و حقیقت با این که روی صفحه لرزان هوا منعکس شده بود، همواره در دل ها و سینه های انسان ها نقش بسته و خطوط نورانی آن زندگی نسل ها را در گستره تاریخ انسانیت روشن نگه داشته است.

پیام های هُضت حسینی که همواره با دود آه به امواج هوای گرم کربلا سپرده شده بود، و با خون پاك امام (عليه السلام) و یاران وفادار او بر زمین نقش بسته بود، چون از سر اخلاص و عشق به خدا بود رنگ جاودانگی گرفت.

بی تردید هُضت الهی حسینی همانند دانشگاهی پویا، آموزه ها و پیام های فراوان و مهمی دارد که در جای خود باید بیش از پیش مورد بررسی و بهره برداری قرار گیرد و نماز ظهر عاشورا که بخش کوچکی از آن قیام الهی است، برای بشریت به ویژه عاشوراییان و عاشقان ابی عبد الله (عليه السلام) پیام هایی داد که مهم ترین آنها از این قرار است:

۱- اهمیت نماز و عبودیت و بندگی خدا در زندگی انسان.

۲- فضیلت محافظت بر نماز در اول وقت آن.

۳- ضرورت ترویج نماز، با جماعت مسلمانان.

۴- مواظبت بر دفاع از نمازگزاران حتی در میدان نبرد.

۵- جدیت در احترام به مقدسات دین و احیای اذان.

۶- استعانت و کمک خواستن از خدا در پیکار با ستمگران.

۷- تبعیت از مکتب جهاد و شهادت در حفظ آرمان حسینیان.

زیرا اگر ما شیعیان در پی آن نباشیم که بخش مربوط به خود را از آن حماسه جاویدان، چون تابلوی آموزنده در زندگی شرافت مندان، استفاده نماییم باید بر شیعه بودن خویش تردید نماییم.

آری ما همواره باید تلاش نمائیم که در پایداری در صراط مستقیم حق جوئی و حق گرائی و احترام به مقدسات اصیل مذهب، پایبندی به شعائر دین، امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با خرافات، جلوگیری از توهین، تضعیف اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله)، اصلاح برخی آداب و رسوم عزاداری که آفات آن به شمار می آید، پیش گام باشیم و گر نه ناخواسته همسو با دشمنان به هُضت کربلا و بانیان ارجمند آن خیانت کرده ایم.

این که اگر حسین (عليه السلام) و یارانش با مهلت گرفتن از دشمن، شب را تا صبح به نماز و دعا و تلاوت قرآن و استغفار پشت سر گذاشته و شب عاشورا را محفل انس با خدا و تقویت معنویت قرار داده اند، روا نیست به بهانه

عزاداری با نواختن شیپور، ن، فلود و اجرای آهنگ های مبتذل و موسیقی غنایی و برهنه کردن بدن در جلو چشم نامحرمان... مجالس عزا را به محفل شادی و گناه و معصیت الهی تبدیل کنیم.

اگر امام حسین(علیه السلام) برای مبارزه با بدعت و نجات اسلام خون داد، حسینیان نیز با حفظ شعائر مذهبی و مراسم عزاداری سنتی، و پرهیز از کارهایی نظیر شبیه سازی های غیر واقعی، چهار دست و پا راه رفتن و صورت را بر زمین کشیدن، و خون آلوده کردن، و قمه زدن در ملاعام - که در دنیای امروز موجب وهن مذهب و بدبینی به مقدّسات دینی، و ضرر غیر قابل جبران می گردد - باید در تقویت دین و ترویج فرهنگ عاشورایی که همان مبارزه با ستم و فساد و تباهی است، همواره کوشش نمایند.

در شرایط کنونی به جای قمه زنی، به یاد شهدای کربلا برای درمان بیماران و پاداش اخروی خون خود را به مراکز انتقال خون اهداء نمایند. چرا که در موقعیت کنونی بسیاری از فقیهان نامی نظیر آیه الله شیخ محمد حسین کاشف الغطاء در «الفردوس الاعلی» علامه سید محسن امین عاملی در «اعیان الشیعه» و نیز امام خمینی (ره) و دیگران در وضع کنونی جهان فتوا به اجتناب از قمه زنی و ممنوعیت آن داده اند.^(۵۱)

حضرت آیه الله خامنه ای مقام معظم رهبری مدظله العالی نیز در دیدار با روحانیون، در آستانه عاشورای سال ۱۳۷۳ نیز باتوجه به شرایط زمانی فرمود: «این جانب از کسی که تظاهر به قمه زنی کند قلباً راضی نیستم»^(۵۲) و نیز در جای دیگر می فرماید: «من در دو سه سال قبل از این راجع به قمه زنی مطلبی را گفتم و مردم عزیز ما آن مطلب را با همه وجود پذیرفتند، و عمل کردند.

اخیراً شخصی مطلبی را به من گفت که خیلی برايم جالب و عجیب بود، برای شما هم نقل می کنم: کسی که با مسایل کشور شوروی سابق، و این بخشی که شیعه نشین است (آذربایجان) آشنا بود می گفت: آن وقتی که کمونیست ها بر منطقه آذربایجان شوروی سابق مسلط شدند همه آثار اسلامی را از آنجا محو کردند مثلاً مساجد را به انبار تبدیل کردند. سالن های دینی و مذهبی و حسینیه ها را به چیزهایی دیگر تبدیل کردند و هیچ نشانه ای از اسلام و دین و تشیع باقی نگذاشتند. فقط يك چیز را اجازه دادند و آن قمه زدن بود.

دستور العمل رؤسای کمونیستی به زیر دستان خودشان این بود، که مسلمانان حق ندارند نماز بخوانند، نماز جماعت برگزار کنند. اما اجازه دارند قمه بزنند. چرا؟! چون خود قمه زدن برای آنها يك وسیله تبلیغ بر ضدّ دین و بر ضدّ تشیع بود. بنابراین گاهی دشمن از بعضی چیزها این گونه علیه دین استفاده می کند. هر جا خرافات به میان بیاید دین خالص بدنام خواهد شد.»^(۵۳)

به تعبیر شاعر خوش ذوق معاصر حواد محدثی:

کی گفت حسین تو بر سر خویش بزنی؟! *** با تیغ به فرق خویشتن نیش بزنی!

تیغی که زنی بر سر خود ای غافل *** بر فرق ستمگران بد کیش بزنی

محبان حسین باید از نوح به باطل و مدّاحی و مرثیه خوانان افراد بی سواد که داستان های بی اساس و خرافات پوچ و اشعار غلوآمیز، و محتوای زبان حال بی مدرک، و اخبار جعلی، که موجب وهن معصومین و استهزاء مسلمین و تضعیف دین می گردد، به شدت پرهیز، و جلوگیری نمایند، و نگذارند، که مراسم مذهبی حرکت آفرین عاشورا و اربعین حسین و دیگر امامان (علیهم السلام) با خرافات آمیخته گردد و مسئولیت شرعی نجبگان و علمای دین و مسئولان هیئت های مذهبی در این زمینه سنگین تر خواهد بود.

۵۱. مجموعه مقالات اولین کنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، دفتر دوم، ص ۱۹۴.

۵۲. جهت اطلاع بیشتر به: مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، دفتر اول، ص ۱۲۳-۱۲۴ و ۲۳۱ و ر.ک: چشمه خورشید، ج ۱، مقاله استاد محمد واعظ زاده، ص ۱۵۰-۱۴۶.

۵۳. مشک فشان، گزیده ای از ارشادات و تلمیحات و آثار رهبر معظم انقلاب اسلامی، ص ۶.

سرانجام اگر سید الشهدا (علیه السلام) در گرماگرم ظهر عاشورا در اوج تابش سوزان خورشید پاییزی، و تشنگی و در میان صفیر تیر باران دشمن به نماز جماعت ایستاد، برای آن بود، که به همگان اعم از زن و مرد و پیر و جوان مسلمان تفهیم نماید که به نماز اول وقت آن هم به جماعت اهمیت دهند! و احیای این فریضه مهم را مهم تر از سینه زنی، زنجیر زنی، علم کشی و نوحه خوانی بدانند، و در ظهر عاشورا در میادین که سدّ معبر پیش نیاید. به اقامه نماز با جماعت همت گمارند و نوجوانان و جوانان و مؤمنین بدانند که عزاداری از بی نماز مقبول در گاه الهی نخواهد بود.

اگر بخواهیم مورد عنایت و توجه حضرت ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) قرار بگیریم، باید نماز را سر لوحه زندگی خویش قرار دهیم. تا از پویندگان خطّ سید الشهداء و راه و روش اولیای خدا باشیم.

امام خمینی (قدس سره) در جمع دانشجویان و اساتید دانشکده الهیات و معارف اسلامی در تاریخ ۵۹/۳/۱۴ فرمودند: «نماز پشتوانه ملت است. سید الشهداء در همان ظهر عاشورا که جنگی بزرگ بود و همه در معرض خطر بودند، وقتی یکی از اصحاب گفت: که ظهر شده است. فرمود: یاد من آوردید نماز را و خدا تو را از نمازگزاران حساب کند. و ایستاد در همان جا نماز خواند: نگفت که ما می خواهیم جنگ بکنیم، خیر، جنگ را برای نماز کردند.»^(۵۴)

از این رو به جرأت می توان نتیجه گرفت که شهادت یاران و امام و اسارت خاندان پیامبر (صلی الله علیه وآله)، حیات اسلام و قرآن جاودان را برای انسان به ارمغان آورد و به تعبیر شاعر ژرف اندیش:

گر آن تشنه لب، کشته عطشان نمی شد *** قوی هرگز ارکان ایمان نمی شد
 به دین خدا می شدی تنگ، میدان *** اگر شاه دین سوی میدان نمی شد
 ز راه خدا باز ماندی، همه کس *** به راه خدا او، چو قربان نمی شد
 به مرگ دیانت شدی کفر، خندان *** به قتلش، اگر دیده گریان نمی شد
 جهانش مهمان احساس نبودی *** به حولی سرش، تا که مهمان نمی شد
 سرش گر نمی خواند، آیات قرآن *** به کس، کشف اسرار قرآن نمی شد
 کجا جمع گشتی، پریشان دین *** اگر اهل بیتش، پریشان نمی شد
 کجا کاخ دین حق، آباد گشتی *** گرش خاتمان، جا به ویران نمی شد
 محک شد حسین (علیه السلام)، ار نه تا صبح محشر *** غش کفر، هرگز نمایان نمی شد
 ز دوزخ امید نجاتش، نبودی *** «شباب» ار حسین را، ثنا خوان نمی شد

این بحث را با دعای سجده «زیارت عاشورا» حُسن ختام می بخشیم که امام باقر (علیه السلام) ناظر خردسال صحنه عاشورا می فرماید:

«اللهم لك الحمد حمد الشاکرین لك علی مُصابِهِمْ. الحمد لله علی عظیم رزقنی. اللهم ارزقنی شفاعَةَ الحسینِ یومَ الوردِ و تبتّ لی قَدَمَ صِدْقٍ عندک مع الحسینِ و اصحابِ الحسینِ الذین بدلوا مُهجَهُمْ دونَ الحسینِ علیه السّلام»

معبودا! تمامی حمد سپاس گزاران حقیقی در برابر آن چه به ایشان رسیده است ویژه توست؛ و بر غم و اندوه سترگی که در این مصیبت بزرگ به من رسید تنها تو را سپاس گویم. بارالها شفاعت حسین (علیه السلام) را به هنگام ورود بر خویش در سرای دیگر، روزی من فرما! و گام مرا در پیشگاه خود و همگام با حسین (علیه السلام) و یاران او - که آخرین قطرات ذخیره خون دل خویش را در راه حسین (علیه السلام) افشانند - استوار و پایدار فرما!

منابع:

- ۱ - قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم ۱۳۷۸
- ۲ - ابن الاثیر الجزری، ابوالحسن علی بن محمد (م ۶۰۶) (الکامل فی التاریخ، دار الکتب العربیة، بیروت ط ۲، ۱۳۷۸ ق
- ۳ - ابن ابی الحدید، ابو حامد عبد الحمید (م ۶۵۶) شرح نهج البلاغة، دار احیاء الکتب العربیة القاهرة ۱۳۷۸ ق
- ۴ - ابن طاووس، السید علی بن موسی (م ۶۶۴) الملهوف علی قتلی الطفوف، دار الاسوة، تهران ط ۲-۱۳۷۵ ق
- ۵ - ابن عبد ربه، الاندلسی، احمد بن محمود (م ۳۲۸) العقد الفرید، مطبعة لجنة التألیف و الترجمة و النشر ۱۳۶۵ ق
- ۶ - ابن نما، محمد بن جعفر (م ۶۴۵) مثير الاحزان، مطبعة الحیدریه، النجف، ۱۳۶۹ ق
- ۷ - ابو داوود، سلیمان بن الأشعث السجستانی (م ۲۷۵) سنن ابی داوود، دار احیاء السنة النبویة.
- ۸ - بحران، شیخ عبد الله اصفهانی (م ۱۲) عوالم العوالم و المعارف (الامام الحسین (علیه السلام) ج ۱۷) مدرسة الامام المهدي (علیه السلام)، قم، ۱۴۰۷ ق
- ۹ - جمعی از پژوهشگران، موسوعة الامام الحسین (علیه السلام) انتشارات کمک آموزشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۸
- ۱۰ - جناتی، محمد ابراهیم، دروس فی الفقه المقارن، معهد الشهدید الصدر، قم، ۱۴۱۱ ق
- ۱۱ - حر العاملی، محمد بن الحسن (م ۱۱۰۴) وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة دار احیاء التراث العربی بیروت، ۱۳۸۲ ق
- ۱۲ - خامنه ای سید علی حسینی، از ژرفای نماز، بعثت، تهران
- ۱۳ - صالح، صبحی، نهج البلاغة، دار الحجر، قم، ۱۴۰۷ ق
- ۱۴ - طبرسی فضل بن حسن (م ۵۴۸) ۱-اعلام الوری باعلام الهدی، دار المعرفه، بیروت، ۱۳۹۹
- ۱۵ - طبرسی، ابو نصر الحسن بن فضل (م ق ۶) مکارم الاخلاق، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ط ۲-۱۳۹۲ ق
- ۱۶ - طبری، ابو جعفر محمد بن جریر بن یزید، (م ۳۱۰) تاریخ الامم و الملوک، دار المعارف، مصر ط ۲- ۱۹۷۱ م
- ۱۷ - عزیزی، عباس، نماز و عبادت امام حسین (علیه السلام)، انتشارات نبوغ، قم، ۱۳۷۸.
- ۱۸ - فیض، ملا محسن (م ۱۰۹۱) محجة البیضا فی احیاء الاحیاء دفتر انتشارات اسلامی، قم ۱۳۸۳ ق
- ۱۹ - فیض الاسلام، ترجمه و شرح نهج البلاغة، بی نا، تهران، بی تا
- ۲۰ - قاضی نعمان، محمد التمیمی (م ۳۶۳) دعائم السلام، دار المعارف، مصر، ۱۳۷۹ ق
- ۲۱ - قرطبی، محمد بن احمد (م ۶۶۱) الجامع لاحکام القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت
- ۲۲ - قمی، شیخ عباس (م ۱۳۱۹) ۱- سفینه البحار ط سنگی ۱۳۵۵ ق ثنایی، تهران ۲- مفاتیح الجنان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران (به خط طاهر خوش نویس) ۳- نفس المهموم، مکتبه بصیرتی، قم
- ۲۳ - متقی، الهندی، علی (م ۹۵۷) کتر العمال مؤسسه الرساله، بیروت ط ۵-۱۴۰۵ ق
- ۲۴ - مجد، امید، قرآن نامه منظوم، کتبی، تهران ۱۳۷۷
- ۲۵ - مجلسی، محمد باقر (م ۱۱۱۱) بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت ط ۲-۱۴۰۳
- ۲۶ - مشک فشان، گزیده ای از ارشادات و تلمیحات و آثار رهبر معظم انقلاب اسلامی (جزوه)
- ۲۷ - مفید، محمد بن محمد نعمان (م ۴۱۳) ۱- الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مکتبه بصیرتی، قم.

۲۸ - مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱-چشمه خورشید.(مجموعه مقالات اولین کنگره امام خمینی و فرهنگ عاشورا)دفتر ۳-۱، ۱۳۷۴ مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی امام خمینی فرهنگ عاشورا، دفتر ۲، تهران ۱۳۷۶

۲۹ - نجفی، محمد حسن(م ۱۲۶۶)جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت ط ۷-۱۹۸۱ م.

۳۰ - نجمی، محمد صادق، سخنان حسین بن علی(علیهما السلام) از مدینه تا شهادت، انتشارات اسلامی قم، ۱۳۶۰.

۳۱ - یوسفیه، ولی الله، فلسفه شهادت حسین و یاران او، سنایی، تهران ۱۳۴۴ س.

نماز عارفانه در شب و روز عاشورا

عرب اسدی

مقدمه

سخن از مردان خداست، آنان که عقاب سرکش اندیشه شان را به بیکران ها پرواز داده و آسمان آبی دلشان، در مرغزار تجلی عرفان، باریدن آغاز نموده است. آنان که در عشق محض آسمانیان محور گردیده و چمن سبز صداقت وجود خویش را به معبود هدیه کرده اند. آنها که در محراب نمازشان گلوآژه های عشق می شکفتند و در ورای ابدیت، دل به دریای اطاعت سپرده اند.

هم آنان که وفادار به لقای حق و به قول «بلی» خویش پایبند مانده اند و... در این میان مدهوش دلدادگی حسین و مولایم. حسین دل می دهد و عشق می خرد. حسین معاشقه می کند و پرمی سوزاند. حسین پروانه می شود و برگرد شع وجود، یکتای بی همتا به طوافی عاشقانه دست می یازد و مرا چه جای گفتن از او؟... چه لیاقت نوشتن از او؟...

حسین فاطمه! عذر مرا بپذیر که با نام تو چشم گشودم و اکنون جسورانه در گوشه ای از عرفان کرامت تو در حال پوییدم. شاید آرزوی نماز عاشقانه عاشورای تو، دیگران را نیز چون من واله نماید و به چشمان رمیمه ای هدایت کند که صحراهای هجران را به امید یافتن تو می پیمایند. آنچه پیش رو دارید سرچشمه ای از زلال عشق حسین است در سفره عرفان محض یاران و قطره ای از اقیانوس متبلور عبادت مخلصان. باشد که ما نیز چون دریایی به استغاثه نشسته، در هجر عشق حسین، دست دعا فرا بریم و معشوق را بخوانیم.

بازار عشق در عاشورا

من که چشمه عشق را گم کرده ام و اکنون بی وضو مانده ام، رنج نامرادی در روزگار بی رونقی، بازار عرفان را به دوش می کشم. سرچشمه جان را رد نموده ام و اکنون به اطلسی های نا آرام کنار دجله رسیده ام. بوی اطلسی های عاشق نا آرام، مرا مست می کند.

در وادی ای گم شده ام که ره یافتگان آن را با من سرسودایی نیست. از جامی، می، می خورم که جز لب حسرت، بر آن نخورده است و در زمینی ره می سپرم که زیبایی آن را تصویر بی نظیر نماز ظهر عاشورا صدچندان کرده است. صدای نوحه سرای گل های عاشق را می شنوم و کاش... خار هرزه ای نبودم تا شاید از بوی عشق این گل ها مست می شدم... دوباره در کنار دجله در حسرت عبادت حسین (علیه السلام)، بغض گلو گیرم می شکند و دیده، دانه های اشک دلم را وا می گیرد. عطر حضور حسین فاطمه در لابه لای بنفشه های سجاده، پیچیده و بوی به حصر پیچیده شدگان کربلا رابه مشام می رساند.

خاک عاشقی که روزی مهر سجده او بوده است، امروز تبرک شفای مردمان است و من نمی دانم که او پیشانی برخاک، به معبود چه گفت که بانگ نیایشش هنوز پس از سال ها به گوش می رسد. ولی این را خوب می فهمم که

«کسی فلسفه عشق بازی با تربت پاك او را می داند که زیر شمشیر غمش رقص کنان رفته باشد و راه وادی عشق را نه با چشم سر و قدرت تخیل، که با بوی خوش دلبر طی کرده باشد.

نماز عاشقانه عَشَّاق، با مُهر او جلال دیگری دارد و کسی رمز و راز این شیفتگی و شیدایی را می فهمد که بوی خاک آغشته به خون او در وادی قتلگاه کربلا را از پی اوراق زمان، استشمام کرده باشد».^(۵۵)

دورکعت نماز عشق وجود پاك مولا درظهر عاشورا، وسعت زیبایی دشت آلاله را شرمسار نموده و هنوز لاله درحسرت آن معاشقه می سوزد. دست های عاشقانه او، آن چنان در سایه سارمعبود، خاضعانه بالامی رفت که همگان با او نیت قربان شدن در مسلخ عشق می کردند و آن گاه که این نیت عاشقانه با **(فدیناه بدیح عظیم)**^(۵۶) پاسخ داده شد، در گرمای تفتیده صحرای کربلا، کودک پنج ساله را نیز محو نماز عاشقانه او کرد.

سجاده او نیاز بود و ناز و چیزی جز این نیست که هرگمنامی که پای برخاک سجده او گذارد، باید طراوت ها را اسیر اشک ناب دیدگانش نماید.

حسین عاشقانه به نماز ایستاد و عارفانه لبیک گفت. بر سجاده نماز او دریای عشق موج برمی داشت و سر بر ساحل هجران می کوفت. وجودش در هاله عشقی فرو می رفت و اشک های زلال دیدگانش گویای عشق سوزان وجودش می گشت، دانه های ستایش، خاک عاشق وجودش را می شکافت، پیشانی زهد به دیواره خاک می سایید و شاد از برآمدن، دریای دلش را ترك می گفت، بر مرغزار شیفته سجده اش می ریخت و عاشقانه فریاد «الله اکبر» سر می داد.

آن جا که حسین (علیه السلام) قیام می کند همه قیام کنندگان عقب می نشینند. آن جا که او به رکوع می رود، راکعان درگاه مقتدایش می شوند. آن جا که او پیشانی بر خاک سجده می نهد، ساحدان عشق سر شرم به دیوار می ساینند و «دیگر عروس فکرشان از فرط خجالت سر برنیارد و دیده یاس از پشت پای ندامت برنارد»^(۵۷) و من هنوز شیفته راز نماز اویم.

او در کربلا اقامه عشق می نماید و همگان را محو نماز مستانه خویش می کند. عبادت عاشقانه او بر قامت خمیده حر ریاحی عصای انابت حایل می کند و او به عبادت های صادقانه حسین (علیه السلام) عشق می ورزد. در پیچ و تاب مناجات های خاضعانه حسین (علیه السلام) هر زمان که قمری نظر می افکند شاد و مدهوش سماع آغاز می کند و با بانگ نیایش مولا بر مآذنه های بلند عشق، عاشقانه می سراید.

راز معاشقه حسین بایکتای بی همتا همگان را مدهوش می سازد و در هوای پرواز به سوی او بی دل می کند. اظهار نیازهای عارفانه او، مناجات های بیداردلان را در خویش محو می نماید و یک باره بردل های تمامی عاشقان بذر عشق می افکند. سوز عرفانی الله اکبر او در نماز شام عاشورا، بی دردان را کلافه ساخت و همگان را وادار به اقتدای او نمود...
... این عبادت برای آنان که بی دردند و تجربه درد را نمی فهمند چیزی جز خم و راست شدن قامت یک انسان نیست. اما برای من که کوچه کوچه های بی پیرایگی را در نور دیده ام وهم زمان با چشمان رمیده غزالی سرگشته به کربلای عشق رسیده ام، شیدایی بلبل بی دلی است که بر شاخسار سرو معشوقش نغمه سر داده است. تسبیح عاشقانه او در کربلا بر قامت خمیده حبیب بن مظاهر خضاب خاک افشانند و او در اوج پیری، رقصی به زیبایی جنون عشق کرد و به سوی معشوق پرواز نمود.

۵۵. اسدالله، بقائی، کربلایی که من دیده ام.

۵۶. سوره صافات، آیه ۱۰۷.

۵۷. گلستان سعدی.

زمرمه های عاشقانه حسین (علیه السلام) در زمین سجاده، قلب تازه داماد کوفه را به يك باره فرو ریخته و او را برآن داشت تا عروس دنیوی خویش را ترك گوید و به راهنمایی زمرمه های مناجات مولا به سوی او پر بکشد. نمی دانم در نماز ظهر عاشورا چه رازی نهفته بود که سپرها شکست و نیزه ها خم شد.

دانه های اشک مولا بر سجاده ظهر عاشورا چون شبنم عشق، بر پریشان خاطران نشست و چهره ها را به عشق، گلگون ساخت.

سماع عاشقانه او در نماز ظهر عاشورا، عکس نازنین عالم را در آینه نیازش متجلی کرد و خود نازنینی شد که هزاران عاشق پس از سال ها، هنوز مجروح (لن توائی) اویند. رکوع های عاشقانه حسین (علیه السلام)، در نماز عاشورا عقل را دیوانه می کند.

اگر خوب تأمل کنیم در می یابیم که مولا به «بوی سنبل زلف معشوق، عقل خاکی مست را رها کرده و در دایره عشق»^(۵۸) به سوی مرکز می رود. در بازار عرفان عاشورا جان می فروشد و خار می خرد. آنها شایسته صید معشوق اند و معشوق با لطف بیکران خویش، عاشق می پذیرد. او عشق سرخ کربلا را می پذیرد و بر قامت های در حال قیام نمازگزاران ظهر عاشورا فخر می نماید.

زیبایی در این دو رکعت عشق موج می زند و این حُسن، چیزی جز حقیقت دل مولا اباعبدالله (علیه السلام) نیست که خانه عشق است و چون اتاقی هزار آینه به هرسو می نگرد و جز جمال یوسف عشق چیزی نمی بیند و فریاد برمی آورد که (أَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ)^(۵۹) این پیوند عاشقانه انسان و خدا، زیباتر از این جا در هیچ مکان دیگری صورت نپذیرفته است. همین ناز آفرینی سجاده ظهر عاشورا است که پس از هزار و اندی سال صد هزاران کافر عشق را مجاب نموده و فریاد می دهد:

«مسلمانان مسلمانان، مسلمانی ز سرگیری *** که کفر از شرم یار من سلیمان وارمی آید»^(۶۰)

نماز عاشقانه ظهر عاشورا، آن قدر زیباست که جگر سوخته و عطش تفتیده وجود مرغان بال آراسته آن سرزمین را سیراب می کند و آنها را به سماعی عارفانه فرا می خواند... و همین رکوع عاشقی بود که سبب گردید مغ بچه خانه خرابی که تا چند لحظه قبل، مأمور دریغ کردن شراب سبو از آنها بود در میخانه بگشاید و خُم شراب ناخالص خویش را در صبهای نابشان بریزد و بی دل از تماشای عرض نیازشان گردد. این معاشقه عارفانه در ظهر عاشورا، يك بار دیگر صورت نیلی زهره را گلگون نمود و روزها را در حسرت عشق مولا به جای گذارد.

عرفان محض کرامت حسین (علیه السلام) در ظهر عاشورا، فرصت تکبیرها را می گیرد و فاختگان را وادارمی کند تا «داد کو؟ کو؟» سردهند و کوه به کوه به دنبال حضور بی انتهای او در انتهای او در نماز عاشورا پویه کنند و همین نماز عاشورا دلیل ماندن عشق در کربلاست که همگان را در عرشه این کشتی مولا می نشاند و نظاره گر لنگر انداختن آن در ساحل وصل یار می نماید. ای کاش ما نیز حسرت حضور در نماز عاشقانه حسین (علیه السلام) را نداشتیم و با او به سجده می رفتیم. عاشقانه می خواندم، عارفانه نیایش می کردم، خاضعانه به رکوع می رفتیم، خالصانه دست قنوت فرا می بردم، خاشعانه لب به ترنم تسیحات می گشودیم و مستانه در بنفشه زار کربلا می گردش می کردم.

حسین (علیه السلام) و معاشقه

روز ترویه، هنگامه حج، روز عرفه، صحرای عرفات، قربان گاه و مسلخ عشق!... کدام را انتخاب می کند؟... مسلخ عشق را می پذیرد که در آن جز نکو را نکشند و او را به مسلخ می برند. فرشتگان با هودجی از نور به استقبال عرفان مجسم می آیند و او خود به چشم خویشتن بیند که جانش می رود.

۵۸. حسین الهی قمشه ای، مقالات.

۵۹. سوره بقره، آیه ۱۱۵.

۶۰. مولانا، غزلیات شمس.

حسین در عرفه، عشق را در معنای راستینش تبیین نمود. با دل کندن از واجبی چون حج، مهمی چون جهاد را رقم زد که افلاکیان جانبازی خاکیان را ببینند. جانبازی عزیزترین بنده خاص خدا با دعای عرفه، عرفانی تر شد. او در کنار کعبه، در بلندای صفا و مروه، در جوار زمزم، در عین وصل، در اوج وصال، آن کعبه در حریر مشکین پیچیده را رها ساخت، کعبه سرخ را برگزید و دعای عرفه را وجهه عینی بخشید. همین دعا که سرود افلاکیان است و به عشق او اجابت شده است. در مناجات او مظاهر عینی اجابت دعای عرفه، هویدا است.»^(۶۱)

حسین(علیه السلام) — عاشقی که عاصیان او را شفیع درگاه مولا قرار می دهند — چه زیبا معشوق را می خواند: «الهی لَوْ لَا سَتَرَكَ اَبَايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ»^(۶۲)... سخنان قشنگ او آبی بر آتش درون من است. او با عشق بیان می دارد که معبودا تو آن قدر خوبی که رسوایم را حاشامی کنی، آبرویم را می خوری، و آن را بر خاک مذلت نمی نشانی: «یا کاشف الضّر و البلوی... یا من لم یُعجل علی من عَصاه من خلقه»^(۶۳) مولا! هر زمان که کوله بار محنت بر شانه ام سنگینی می کند، آرامشم می دهی و قلبم رابه میزبان سکنیه فرامی خوانی. صبر می کنی و به یاریم می آبی که اگر یاری تو نبود، از مغلوبین بودم.

چه زیبا فرا خوانده، چه زیبایه میهمانی رفته و چه عاشقانه سخن گفته است. در صحرای عرفان او پای در عشق فرو می شود؛ چنان که در برف. او آن گاه که «رَبِّ بِمَا اطْعَمْتَنِي وَ سَقَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا اَغْنَيْتَنِي وَ اَقْنَيْتَنِي رَبِّ بِمَا اَعْنَيْتَنِي وَ اَعَزَّزْتَنِي»^(۶۴) رابر زبان می آورد از یار طلب می کند که به آنچه از عشق محض آسمانی اش بر کویر خشکیده روح بنده خویش روان ساخته و به آنچه بر همگان باریده «نَجِّنِي مِنْ اَهْوَالِ الدُّنْيَا وَ كُرْبَاتِ الْاٰخِرَةِ»^(۶۵) آشنا می نماید و عاشقانه بامعشوق سخن می گوید.

آن جا که دل به دریای عبادت می زند و بیان می دارد: «اللهم ما اَخافُ فَاكْفِنِي وَ ما اَحْذَرُ فَاغْنِنِي وَ ما اَحْزَنُ فَاغْنِنِي وَ ما اَحْزَنُ فَاغْنِنِي»^(۶۶) مولای من تو در شب های وحشت انگیز تنهایی، در کنار بستر بی عشقم می نشینی. از آنچه هراسانم نگاهم می داری تا در رؤیای شیرین خویش، خواب خوش ترک شیرین فروشی را ببینم که خرمای عشق می فروشد. در سکوت دل گیر شب جاده های تاریک مسیر دست های پنهانت رامی بینم که دستم را گرفته اند و هدایتیم می کنند. الهی! «فِي اَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظَّمْنِي وَ فِي نَفْسِي فَذَلَّلْنِي»^(۶۷)

آن قدر بزرگی و مهرت آن چنان وجودم را در برگرفته است که هر روز عزیزترم می داری و چهره ام را بھاری جلوه می دهی.

حسین (علیه السلام) آن گاه که از مولا سؤال می کند، عشق های کهنه مکتوم خویش را رخصت سرباز کردن می دهد و به دنبال دریافت شعله های زیبای نور ولایت مولا، بال و پرباز می کند و فریاد بر می آورد: «الهی الی مَنْ تُكَلِّمُنِي؟ الی قَرِيبٍ فَيَقْطَعُنِي، اَمْ الی بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمُنِي»^(۶۸) مرابه که وا می گذاری، به آشنایان بیگانه یا بیگانگان آشنا؟ «اشکوا لیک غُربتی وَ بَعْدَ دَارِي» و بعد باعشقی به صمیمت باران زمزمه می کند: «الهی انا الذی اخلقت، انا الذی نکنت، انا الذی اقررت...»^(۶۹)

۶۱. اسد الله، بقائی، کربلائی که من دیده ام.

۶۲. مفاتیح الجنان، دعای عرفه.

۶۳. همان.

۶۴. همان.

۶۵. همان.

۶۶. همان.

۶۷. همان.

۶۸. همان.

۶۹. همان.

من آئی نیستم که بودم، اما تو همانی که بودی. «انت الذی غفرت انت الذی سترت... لا اله الا انت، سبحانك انى كنت من الظالمين، لا اله الا انت، سبحانك انى كنت من الوجليلين، لا اله الا انت، سبحانك انى كنت من الخائفين...» تو مژهی و پاك و من خواهان ورود به خلوت عاشقی تو؛ مرا بپذیر که از قهر زیبای تو ترسام و از سطوت بی انتهای تو سخت بیمناک...

این مناجات‌های عارفانه حسین (علیه السلام)، مملو از عمق شناخت معشوق است. و مگر جز این است که مقام خلیفه الهی که معشوق به او عطا نموده سزاوار گوهری چون اوست و همین عبودیت الهی ای است که او را به این رتبت رسانیده است. من هر وقت اشکواره مولا صاحب الزمان (عج) رامی خوانم با کلام «السلام علی الشفاعة الذابلات»^(۷۰) او بی دل می شوم و به پویه کردن در مفاهیم بلند دعای عرفه مولا وادار می گردم.

صحرائی بی انتهای عرفه سجاده بی دل کوی معشوق است و من رسوای خرابه نشین و آرزومند استماع دعای زیبای عرفه آن عاشق مدهوش. او آن چنان زیبا معبود را فرا خوانده است که هیچ مرد بیدار دلی مناجاتی بلند مفهوم تر از دعای عرفه به یاد ندارد. مفاهیم بلند نیایش مولا اباعبدالله (علیه السلام)، مفهوم بیست و پنج سال خلوت و انزوای علی است و من اکنون که دست بردعا در سرزمین زیبای این دعا، پویه می کنم، حسرت می برم که چرا تاکنون راز خلوت علی (علیه السلام) را از دل نیایش‌های بی ریای فرزندش نیافته‌ام.

او همه را واگویه کرده است. از تمام موهبت‌های یکتای بی همتا سخن رانده است. حتی از بنده انگشتان فروگذار نکرده و من مطمئنم که معشوق به وجود عاشقانی چون او فخر می نماید و با او دیگر به چون، منی عاجز، نیاز ندارد. او آن گاه که به مناجات برمی خیزد، در دل عاشقش زمزمه غم هجر می افتد و پیش از آن که کبوتران اشک بر دیواره دیدگانش نشینند لبانش می لرزد و زمزمه ای سوزان بیرون می تراود که^(۷۱) «الهی و ربی من لی غیرک». ^(۷۲)

حسین، عاشقی تشنه اخلاص است و نیازمند قربان شدن در مسلخ عشق و این است که تشنه وزلال می گردد و این ایثار، مستی ای به عظمت قاف در بر دارد. حسین، بسته عشق است پس خلاص نمی جوید. مناجات‌های او بیان گر مقام والای انقطاعش است تاباحق باشد و حلاوت محبت معشوق را با زبان زیبای مناجات خویش بجشد و کجا بهتر از صحرائی سوزان عرفه است تا پذیرای گسترده شدن جوان بی دریغ مناجات حسین گردد و او را در سوختن یاری دهد. عرفه، عارفی می خواهد به عظمت محبوب دل رسول خدا (صلی الله علیه و آله). وقتی او را می یابد، به یاریش همت می گمارد و با او می سوزد و اگر خوب نگاه کنی می بینی که شن‌های داغ صحرا با ناله (الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا)^(۷۳) می حسین هم گام اند و در سوختن هم.

حسین (علیه السلام)، ترنم دعای عرفه را با لبان عاشق آغاز می کند که سودای شعله شدن دارند. و همین است که مفاهیم عرفانی عرفه او، دامنه درک ما را صیقلی کرده و عقل کثر اندیش ما به قله آنها صعود نمی کند. او آن گاه که لب به ترنم دعای می گشاید، «به رغم مدعیانی که منع عشق کنند» نغمه داوودی سر می دهد و به نفس مسیحای معبود، تحصیل عشق می کند. به صفا و عشق او غبطه باید خورد که با تمامی حشمت خویش، به درویشان رخصت عاشقی می دهد و با «اللهم اعتق رقبتی من النار»^(۷۴) آنها را از آفاق گردی‌های عشق آگاه می کند. در پهن دشت وسیع عرفه، شکوه او بر ما عیان می گردد و ما را آرزومند سجده سجاده خویش می نماید.

۷۰. زیارت ناحیه مقدسه.

۷۱. اسد الله بقای، کربلائی که من دیده‌ام.

۷۲. مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

۷۳. دیوان حافظ:

به رغم مدعیان که منع عشق کنند *** جمال چهره تو حجت موجه ماست

۷۴. مفاتیح الجنان، دعای عرفه.

تجلی عرفان در عاشورا

نماز عارفانه حسین (علیه السلام) چنان متجلی است که عارفان حلیه جمال حق را از لجن زار تملق و دروغ به اوج و رفعت وعظ و تحقیق می کشاند. عرفان حسین (علیه السلام) در عاشورا، زمزمه عشق است و ناله و نغمه عاشق بی تاب و دردمند. عاشقی که هر لحظه به یافت محبوب، حالت بسط دارد و شادمان و نغمه خوان است و لحظه ای از بیم ندیدن جمال او اندوهگین و مویه گر می گردد و این به زیبایی در مناجات های او جلوه گر است. حسین (علیه السلام) از پدر آموخته است که مشتوار سرخ وجود خویش را در لحظه گفت و گو شادتر و تندتر از هر زمان به تپیدن وادار سازد.^(۷۵) او زایرگیسوی ابری آسمان می شود، شراره های وجودش را ذره ذره می کند و اندیشه وصال معشوق را در ذهنش به رقص در می آورد. رقصی موزون که با آهنگ اشک هایش به لرزش در می آید. حسین از کوچه های شور و شیدایی گذشته و در بندگی محض باعشق آسمانی پیوند بسته است. او انتهای عشق را در عاشورا جشن می گیرد. تشنگی اش در عبادت بر جگر چنگ انداخته و خوب می داند که اگر عطش بر جگر چنگ بیندازد، دیگر عطش نیست، تفسیر درد درون عاشقی است که از هجر عشق خویش به معشوق پناه می برد و دردهای بی علاج خویش را به او واگویی می کند. این عشق، لحظه ای نیست که به اتمام رسد.

او با تمام وجود و در زیر باران تیره های جنایت پیشگان، مولای خویش را فرا می خواند، آن گاه که در شب عاشورابه محراب عبادت می رود تا صبح ممنوع الملاقات می شود. تا صبح در قرنطینه سجاده است. تا صبح تحت مداوای پزشک سرشک است و تا صبح شهرهای زیبایش در طواف شمع وجود معشوق می سوزد. و خوشا به حال او که این چنین واله است و شیدا. خوشا به حال خاك سجده ای که پیشانی او را لمس می کند. خوشابه حال آسمانی که او در زیر نور آن به عبادت می پردازد.

زمزمه های بلند مفهوم نماز او، تکه های خرد شده قلب شکسته ای است که از پیوند زدن گذشته است و می رود تا با پاره های وجود خویش، رقص جنون کند. در زمین عبادت مولا، شهپر پروانه های عرفان می سوزد و طواف های عاشقانه آنها برگرد شمع وجود معشوق، به سماعی عارفانه بدل می گردد. سرمه چشمان تر افاقی ها، اشک زیبای مردی خدایی است که غبار مقدمش، توتیای چشم مشتاقان اوست و سرمایه دیدگانش بر سجاده عشق، زر می نگارد. عشق از معشوقی سر می زند که در ظهر عاشورا به عاشق بی دل خود، رخصت جلوه گری داده است.

حسین (علیه السلام) در سجاده عاشورا وجود می فروشد و عاشقی می خرد و من در پویه کردن های خویش، خرم سوخته ای را می بینم که در گودی قتلگاه نوای «هوهو» سر داده است. او وجود خویش را مامن مولای خود نموده، مصفا و مفروش. کلمات خالص مناجات را به یاری گرفته و در حال جاروی مهد عهد الهی است. خوب می داند که پاسخ «بلی» او به (الست بر بکم) پاسخی است بر تعجیل شیطان که مولا به او فرمود: «چندی درنگ کن تا گل آدم با دل عشق ببینند و آدم به پرواز در آید، آن گاه این باز شکاری، اول صیدی که خواهد کرد تو هستی...»^(۷۶) و امروز در بازی گوی و چوگان عشق، اوست که گوی مناجات را از همگان ربوده و ابلیس را خانه نشین کرده است. عشق الهی او، همگان را محو ساخته و او می رود تا در افقی به پرواز در آید که تجلی گاه سیمرخ قاف است و تنها پرسوختگان رامی پذیرد. حسین قیمت سوختن را خوب می داند و خریدار را به زیبایی شناخته است.

این است که نیزه ها هم از هیبت این فریاد، به سماع دست یازیده اند. وجد و پای کوبی حسین در سجاده عشق ظهر عاشورا، قلب ها را ویران کرده و چراغ های دل را بی قرار ساخته است. به قول يك فرنگی: «چه نماز شکوفایی خواند حسین بن علی (علیهما السلام)! نمازی که دنیا نظیر آن را سراغ ندارد. نمازی که در باران نیز خوانده می شود ولی

۷۵. اسدالله بقایی، کربلای که من دیده ام.

۷۶. رشیدالدین میبیدی، کشف الاسرار، تفسیر آیه ۳۰ سوره بقره.

او ویرانش غرق در حالت خویشند. حسین شام عاشورا را برای خودنگاه داشت. استغفار، دعا، مناجات را زد، نیاز... می بینی که درظهر عاشورا، در جنبه های توحید، عبودیت، ربوبیت و عرفان، مطلب چقدر او ج می گیرد.»^(۷۷) در صحرای عرفان او، عشق باریده است و پای عاشق راستینش در عشق، فرو می رود؛ چنانچه که در برف.

این زمین، مدت مدیدی است که رنگ عشق به خود ندیده و آن را فراموش کرده است، اما در لحظه رکوع حسین، مست می گردد و مدهوش و ناخودآگاه، فریاد برمی آورد: «السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكِعُ...» و آیا این عشق بازی و سوخته دلی عاشق، جز در کربلا شرم سرخ عاشقان رابه خود دیده است؟ و آیا این عرفان، خالص تر و ناب تر از کربلا در جایی دیگر به کرامت محض، رسیده است.

این شرح های عاشقی در عرفان اسلامی، برتر از مناجات صد چون خواجه عبدالله انصاری است و بی قرارتر از صد چون مجنون نظامی. اگر مولوی داد «بشنو از بی» سر می دهد، فریاد بلند کلام عشق حسین، از حنجره خونی سه ساله ای بیرون می جهد که دست آموز او بوده است و باسبیلی عشق، صورت، سرخ کرده است. می بینی که بازهم حسین عاشق، فریاد «بی مولانا» را در نطفه خفه می کند و به او رخصت برآمدن نمی دهد. فریاد «انالحق» منصور هم در مقابل عرفان مجسم کربلا، رنگ می بازد و من مطمئنم که منصور با همه ادعاهای صحیح و محکم خود به این دانگ بهشتی که در کربلا افتاده است، هیچ توجهی نکرده است.

حسین (علیه السلام) نه برسنگ، حکاکی نموده و نه بر خاک هجی، خون عرفان اوست که تا امروز در همه جا می جوشد و همگان را محو عشقش می سازد. او آن گاه که سر بر سجده می گذارد و «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ» را بیان می کند، عشق می پراکند و همین بوی عشق حنجره خدایی اوست که امروز پس از هزار و چهارصد سال به مشام می رسد و دیگران را مست نماز او می کند. در آن لحظه فقط حسین است و خدای خودش و گویی چیز دیگری در کار نیست.

وقتی هم که آماج تیرها قرار می گیرد و بابدین شرحه شرحه بر زمین می غلتند، آوای «رِضًا بِقَضَائِكَ وَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِكَ، لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ»^(۷۸) سر می دهد و این است که پس از سال ها فرزندش، صادق آل محمد (علیه السلام) می گوید: مصداق آیه آخر سوره فجر، جدم اباعبدالله است. حسین (علیه السلام) در شب عاشورا نیز در عرفان محض غرق می گردد و آن را برای معاشره بایار خویش نگاه می دارد.

مرا چه جای گفتن که پاك باختگی او در راه معشوق و ماسوای خدا را به هیچ انگاشتن، در همان دو جمله مولا در اولین خطبه ای که در مکه ایراد کرد، متجلی است. آن گاه که می فرماید: «رَضِيَ اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ هُرَّ رَاهِي رَاكِهِ خِدَامِعِينَ فَرْمُودَهُ مَانِيزِ مِي پَسَنَدِم.»^(۷۹)

این از خود بریدن و به معشوق پیوستن، در هیچ محیطی، جز مجلس انس کربلا مجسم نیست.

کلام آخر

در گلگشت مختصری که به یاری مولا در دیار عرفه و عرفان کربلای او زدیم، آقا چون مرغی دلاویز همایم گشت و توان دست به قلم بردم بخشید.

گوشه چشمی به من انداخت تا شهامت شکوفا ساختن غنچه دو رکعت عشق عاشورا را بیام و طرحی ریخت تا چون دری یتیم بیارم و در آرزوی موهبت اعتمادی عاشقانه و کودکانه به صحرای کرامت محض او پویه کنم. امید آن که

۷۷. مرتضی مطهری، حماسه حسین، ج ۱، ص ۵۲.

۷۸. بحار الانوار، ج ۴۵ - ۵۳.

۷۹. همان، ج ۴۴ - ص ۳۶۷.

شکوه های شرحی مرابه آه زیبای دردانه سه ساله اش پیوند زند و درحسرت عاشقی نمانم و با آرزوی این که عزت
دستان به خاک نشسته ابوالفضل یاریم کند تا بار دیگر شرحی بر تقدس نگاه مولا بنهم ونوری از سجاده عشق او بر قلب
گناه کارم بتابد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. مفاتیح الجنان — دعای عرفه.
۳. شجاعی، سید مهدی — پدر عشق و پسر.
۴. مطهری، مرتضی — حماسه حسینی، ج ۱.
۵. بقای نائین، اسدالله — کربلای که من دیده ام.
۶. آوین، سید مرتضی — گنجینه آسمان.